

Hooman Movassagh, "An International Human Rights Approach to Human Cloning", *Quarterly Journal of Medical Law*, Vol. 1, No. 1, Summer 2007, pp. 123-183, **available at:** [https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract\\_id=2827298](https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2827298)

**Abstract:**

Biosciences have had incredible advances in the past half-century and have increasingly shed light on the intricacies of how the human body and mind function. On one hand, these advances promise a revolution in treatment of diseases and mitigating human suffering and on the other, they have given rise to concerns about the applications of this new-found knowledge. The same knowledge and science that can be applied for therapy can also be used for non-therapeutic purposes, such as human enhancement or changing human nature. Furthermore, such changes, should they occur, would be transferred to future generations.

The threat and opportunity inherent in these advances have attracted much attention. Bioethics has been debated and discussed at length in various fora for decades and is increasingly attracting the attention of a more general audience. Human cloning has been one such issue that has extensively been debated from an ethical, philosophical, religious, and legal perspective (among others). This paper looks at human cloning from the perspective of international law.

**Keywords:** International law, human rights, human cloning, reproduction, bioethics, health law

## رویکرد حقوق بین‌الملل به شبیه‌سازی انسان

هومن موقق<sup>۱</sup>

### چکیده

علوم زیستی در نیم قرن اخیر پیشرفت‌های حیرت‌انگیزی داشته و به‌طور فزاینده‌ای جزئیات نحوه عمل و فعالیت جسم و ذهن انسان را فاش ساخته‌اند. این پیشرفت‌ها از سویی نویدبخش تحولی در درمان امراض و آلام بشر هستند و از سوی دیگر، موجب نگرانی‌هایی درباره نحوه استفاده و کاربرد این دانش شده‌اند. همان دانش و آگاهی که برای درمان کاربرد دارد می‌تواند برای اهداف غیر درمانی نیز به کار رود؛ از جمله برای «بهبود» انسان یا حتی تغییر «طبیعت انسان». علاوه بر این، چنین تغییراتی از نسلی به نسل دیگر منتقل خواهند شد.

فرصت و بحران نهفته در این پیشرفت توجه زیادی را به خود جلب کرده است. سال‌های متمادی است که مباحث اخلاق زیستی در مراجع و محافل مختلف مورد بحث و جدل قرار گرفته و به صورت روزافزون مورد توجه عموم مردم واقع شده‌اند. از جمله موضوعات قابل توجه علوم زیستی که ابعاد اخلاقی، فلسفی، مذهبی و حقوقی آن مورد توجه بسیار بوده، شبیه‌سازی انسان است. در این مقاله از منظر حقوق بین‌الملل مسئله شبیه‌سازی بررسی می‌شود.

### واژگان کلیدی

شبیه‌سازی، علوم زیستی، حقوق بین‌الملل.

---

۱. عضو هیأت علمی کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی دانشگاه شهید بهشتی. (نویسنده مسؤول)

## رویکرد حقوق بین‌الملل به شبیه‌سازی انسان

به دلیل فرصت و بحران نهفته در فن‌آوری شبیه‌سازی و بر اثر واکنش‌های سیاسی و اجتماعی گسترده‌ای که این فن‌آوری موجب شد، دولت‌ها به فراخور رویکرد فرهنگی، مذهبی، سیاسی و اجتماعی خود به شبیه‌سازی انسان توجه نشان داده و در سطح بین‌المللی تلاش کرده‌اند مقرراتی برای قاعده‌مند کردن این فن‌آوری تنظیم کنند و به اجرا بگذارند. این تلاش‌ها در سطح منطقه‌ای و در اروپا از موفقیت بیش‌تری برخوردار بوده و به تصویب پروتکلی انجامیده است؛ در حالی که در سطح جهانی و در چهارچوب سازمان ملل متحد، توافق بر سر رویکردی واحد و الزام‌آور برای همه دولت‌ها مشکلات بسیاری به همراه داشته است. در این نوشته به مهم‌ترین مقرراتی که در سطح بین‌المللی برای شبیه‌سازی انسان تنظیم شده‌اند اشاره می‌شود.

### اول: توجه جامعه بین‌المللی به شبیه‌سازی انسان

نشر خبر شبیه‌سازی دالی انعکاس گسترده‌ای در مراجع و سازمان‌های بین‌المللی داشت تا جایی که پارلمان اروپا در قطعنامه‌ای که در سال ۱۹۹۷ راجع به شبیه‌سازی صادر کرد به صراحت به آن اشاره کرد.<sup>۱</sup> سیل قطعنامه و مصوبه‌های سازمان‌های بین‌المللی مختلف،<sup>۲</sup> به ویژه در اروپا، نشان از نگرانی جامعه بین‌المللی درباره شبیه‌سازی انسان دارد. این نگرانی ریشه در دغدغه خاطر جامعه بین‌المللی برای صیانت از انسان دارد. دغدغه خاطری که در اسناد متعدد حقوق بشری عینیت یافته و حاکی از توجه دولت‌ها به اهمیت حقوق انسان‌ها و ضرورت حفاظت از این حقوق است. اصولی هم‌چون عدم تبعیض، تفویض‌ناپذیری، جهان‌شمول بودن، و حقوقی چون حق حیات و آزادی از شکنجه در اسناد مختلفی که ناظر بر

شبیه‌سازی انسان است، بیان شده‌اند. ناگفته پیداست که این اصول و حقوق همگی ریشه در حقوق بشر دارند و تکرار و تأیید آن‌ها در اسناد مربوط به شبیه‌سازی مبین این است که جامعه بین‌المللی بر ارتباط شبیه‌سازی انسان با حقوق و آزادی‌های بنیادین او اشراف داشته و قصد حمایت از این حقوق و آزادی‌ها را دارد. این امر در بُعد جهانی با آهنگ‌کنندتری نسبت به اروپا در حال وقوع است. در سطح جهانی هنوز معاهده‌ای درباره شبیه‌سازی انسان تنظیم نشده است و تنها چند مصوبه از سازمان‌های مختلف در این مورد صادر شده است. سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) در سال ۱۹۹۷ اعلامیه جهانی ژنوم انسانی و حقوق بشر را صادر کرد. در ماده یک اعلامیه، ژنوم انسانی مبنای وحدت بنیادین همه اعضای خانواده بشری و نیز شناسایی شأن ذاتی و تمایز آن‌ها قرار داده، و در ماده یازده اعلام شده است:

۴  
۳  
۳

«اعمالی که مغایر با شأن بشر هستند، هم‌چون شبیه‌سازی مولد انسان، مجاز نخواهند بود. از دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی صلاحیت‌دار دعوت می‌شود که در شناسایی چنین اعمالی، و اتخاذ تدابیر لازم در سطوح ملی و بین‌المللی برای تضمین رعایت اصول مندرج در این اعلامیه همکاری نمایند.»

مجمع عمومی نیز طی مصوبه‌ای<sup>۳</sup> قطعنامه مزبور را تأیید نمود و پس از آن که مشخص شد توافق در مورد کنوانسیون بین‌المللی برای قاعده‌مند کردن شبیه‌سازی انسان امکان‌پذیر نیست، به تصویب اعلامیه‌ای در این مورد اکتفا کرد. نکته‌ای که باید به آن توجه داشت این است که اسناد مزبور فاقد نیروی الزام‌آور حقوقی هستند و صرفاً جنبه توصیه‌ای دارند. ضمن این که مقررۀ پیش‌گفته یونسکو تنها ناظر بر شبیه‌سازی مولد انسان است و دیگر اشکال شبیه‌سازی را خطاب قرار نداده است. مسئله دیگر آن که معلوم نکرده که منظور از «انسان» چیست؟ آیا چنین

انسانی را نیز شامل می‌شود یا خیر؟ و اگر پاسخ مثبت است، در کدام مرحله تکاملی جنین؟

سازمان بهداشت جهانی نیز طی دو قطعنامه<sup>۴</sup> در سال‌های ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ به ترتیب تأکید کرد که:

«... تأیید می‌کند که استفاده از شبیه‌سازی برای تکثیر افراد انسانی از نظر اخلاقی غیر قابل قبول است و مغایر با شأن و اخلاق بشر<sup>۵</sup> است.»

«... مجدداً تأیید می‌کند که استفاده از شبیه‌سازی برای تکثیر افراد انسانی از نظر اخلاقی غیر قابل قبول است و مغایر با شأن و تمامیت بشر<sup>۶</sup> است.»

قطعنامه مصوب سال ۱۹۹۸ از دولت‌ها می‌خواهد که به مباحثه در این زمینه‌ها ادامه دهند و اقدامات مناسبی را، از جمله تدابیر حقوقی و قضایی، برای منع شبیه‌سازی مولد انسان به عمل آورند.<sup>۷</sup>

درباره الزام آور بودن این قطعنامه‌ها و اعلامیه‌ها از دو منظر می‌توان بحث کرد. اول آن که به این اعلامیه‌ها به‌عنوان عمل یک سازمان بین‌المللی نگریسته شود و نیروی الزام آور و نقش آن‌ها در ایجاد هنجارهای بین‌المللی یا اثرگذاری بر آن‌ها از لحاظ سازمانی بررسی شود؛<sup>۸</sup> دوم آن که به محتوای این اعلامیه‌ها پرداخته شده و به مبنا و غایات آن‌ها توجه گردد.

چنانچه از منظر اول نگریسته شود، سه دیدگاه قابل تفکیک است: دیدگاه اول، که غالباً توسط حقوق‌دانان کشورهای در حال توسعه (که اکثریت چنین مجامعی را شامل می‌گردند) مطرح می‌گردد، عبارت از این است که مصوبات چنین مجامعی برای دولت‌های عضو الزام آور هستند. این گروه به دلایلی هم‌چون «اصول رضایت و استاپل»، (Elias, 1972, pp 74-75) «توافق میان اعضاء مجمع»، (آساموآ، ۱۹۶۶، صص ۶۶-۶۷) و «اختیار نمایندگان مجامع برای الزام دولت‌های

خود» (منون، ۱۹۶۹، ص ۲۷) استناد می‌کنند و معتقدند که مصوبات مجامع عمومی سازمان‌های بین‌المللی برای دولت‌های عضو آنها ایجاد تعهد و بار حقوقی می‌کند. دیدگاه دوم مبنی بر این است که این‌گونه مصوبات صرفاً دارای نیروی اخلاقی و سیاسی هستند. (وردروس، ۱۹۶۶، ص ۶۹۳ و باستید، ۱۹۶۹، ص ۹۱). کلیبار معتقد است که مصوبات مجمع عمومی فاقد جنبه الزام‌آور هستند و در توجیه نظر خود به این دلیل اشاره می‌کند که: «حقوق بین‌الملل موضوعه هنوز بر اصل «رضایت کشورها» در قبال تعهدات بین‌المللی تکیه داشته و قطعنامه هر سازمان [بین‌المللی] فقط با رأی اکثریت اعضاء به تصویب می‌رسد.»

وی درباره اعلامیه‌ها عقیده دارد که این نوع مصوبات با وجود آن که الزام یک معاهده بین‌المللی را ندارند، از آن‌جا که متضمن یکی از عناصر عرف (توافق ضمنی جامعه کشورها) هستند، به ویژه هنگامی که به اتفاق آراء<sup>۹</sup> تصویب شوند، به عرف نزدیک می‌شوند و «به هر تقدیر بارقه‌ای از الزام نیز در این قبیل اعلامیه‌ها به چشم می‌خورد» (کلیبار، ۱۳۶۸، صص ۵۰۸-۵۱۰).

دیدگاه سوم از دیدگاه دوم مشتق شده است. به این معنی که پیروان این نظریه معتقدند که مصوبات سازمان‌های بین‌المللی توصیه هستند و بنابراین برای دولت‌ها از نظر حقوقی الزام‌آور نیستند. ولی بنا بر نظر این گروه، مصوبات دارای عنصر حقوقی خاصی هستند. با این حال، راجع به این که این عنصر حقوقی دقیقاً چیست دیدگاه‌ها بسیار تفاوت دارند. برخی آن را «تعهد اعضاء سازمان به همکاری جهت حصول اهداف سازمان»<sup>۱۰</sup> می‌دانند. برخی دیگر عنصر حقوقی مزبور را در این دانسته‌اند که «این‌گونه مصوبات مجوزی حقوقی برای اعضایی هستند که می‌خواهند به آن عمل کنند». (Lauterpacht, 1955, p.115). به نظر می‌رسد که نظریه پروفیسور تونکین که در این دیدگاه طبقه‌بندی می‌شود، از همه نظریه‌ها به واقع نزدیک‌تر باشد.<sup>۱۱</sup>

ایشان معتقد است که راه حل صحیح پاسخ‌گویی به مسئله ماهیت توصیه‌نامه‌های سازمان‌های بین‌المللی این است که به تئوری هماهنگی اراده دولت‌ها<sup>۱۲</sup> توجه شود. بنا بر نظر وی، توصیه‌نامه‌های مصوب سازمان‌های بین‌المللی، حاصل هماهنگی اراده دولت‌های عضو آن سازمان‌ها است. فرآیند هماهنگی آن‌ها مبتنی بر سند اساسی سازمان بوده و نتیجه آن، عمل سازمان است: صدور مصوبه. ماهیت چنین مصوبه‌ای به مقررات مرتبط سند اساسی آن سازمان بستگی دارد. وی در ادامه اضافه می‌کند:

«مصوبه هنجارساز هر سازمان بین‌المللی نتیجه هماهنگی اراده دولت‌های عضو سازمان درباره قواعد رفتاری است. با این حال، مصوبات محدود به این نیستند... .  
... در مورد مصوبات، حاصل هماهنگی اراده دولت‌ها تنها قواعد رفتاری مندرج در متن مصوبه نمی‌باشد، بلکه شامل تقاضایی از دولت‌ها است که قواعد مزبور را در عمل مراعات کنند» (تونکین، ۱۹۸۷، صص ۸-۹).

چنانچه مسئله از منظر دوم بررسی شود (توجه به مبنا و غایت ممنوعیت شبیه‌سازی مولد انسان)، باید اشاره کرد که این ممنوعیت ریشه در ملاحظات حقوق بشری دارد و با آن دارای اشتراکات بسیاری است. شاهد این مدعا را می‌توان در اسناد مذکور ملاحظه کرد. این مصوبات در مقدمه‌های<sup>۱۳</sup> خود، به تضاد شبیه‌سازی مولد انسان با شأن بشر اشاره نموده و آن را غیر قابل قبول و توجیه دانسته‌اند. علاوه بر این، با استناد به اسناد مختلف حقوق بشر اعلام داشته‌اند که شبیه‌سازی مولد انسان مغایر با حقوق و آزادی‌های بنیادین مصرح در این اسناد بوده و با اخلاق در تعارض است.<sup>۱۴</sup>

با مطالعه این اسناد و اسنادی که در اروپا و در همین مورد تنظیم شده‌اند، به راحتی می‌توان دریافت که همگی آن‌ها در پی هدفی واحد هستند و این هدف چیزی نیست جز صیانت از شأن بشر از طریق توجه به ابعاد اخلاقی علوم زیستی و

پزشکی. این امر گرچه از طریق مصوبات سازمان‌های بین‌المللی و با موافقت نمایندگان دولت‌های عضو این مجامع صورت گرفته، به نظر می‌رسد که به قصد صیانت از فرد انسان است: توجه به شأن بشر در این اسناد، توافق اکثریت اعضا جامعه بین‌المللی دولت‌ها مبنی بر ممنوعیت شبیه‌سازی مولد انسان،<sup>۱۵</sup> استناد به واکنش افکار عمومی به شبیه‌سازی گوسفند معروف دالی،<sup>۱۶</sup> و مبانی فلسفی و اخلاقی حقوق بشری<sup>۱۷</sup> که برای توجیه این ممنوعیت بیان شده‌اند همگی حاکی از این واقعیت هستند که مبنای این رویکرد دولت‌ها به ممنوعیت شبیه‌سازی مولد انسان، توجه به اختیارات ذاتی هر انسانی است که به صرف انسانیت خویش، بهره‌مند از آن‌ها بوده و نمی‌تواند خود را محروم و مسلوب از آزادی‌ها و حقوق بنیادین بشری خویش نماید. دولت‌های جهان نیز با آگاهی از این واقعیت و با تکیه بر مبانی اخلاقی و فلسفی، اصول حقوقی و آزادی‌های بنیادین بشر، مبادرت به اعلام این ممنوعیت، از مجرای سازمان‌های بین‌المللی و به صورت مصوبات صادره توسط آن‌ها نموده‌اند. سؤالی که می‌توان مطرح کرد این است که آیا اصول حقوق بشر با ممنوعیت شبیه‌سازی انسان ملازمت دارد؟

البته در اروپا، دولت‌ها از بیان انتزاعی ممنوعیت شبیه‌سازی مولد انسان به صورت هنجاری کلی و مبهم گامی فراتر نهاده‌اند و پروتکلی اختیاری، که در واقع مکمل کنوانسیون اُیِدو<sup>۱۸</sup> است، تهیه و تنظیم کرده‌اند تا تعهدات عینی و مشخصی را، در قالب قواعدی حقوقی و الزام‌آور (چه از نظر شکل و چه از نظر ماهیت) بر جوامع خویش مستقر سازند. این پروتکل که در هشت ماده تنظیم شده است،<sup>۱۹</sup> پس از آن‌که در اولین ماده خود شبیه‌سازی مولد انسان را منع می‌کند، در ماده سه اعلام می‌کند که تمام مقررات کنوانسیون اُیِدو به این پروتکل و موضوع آن تسری می‌یابد. این کنوانسیون که اولین معاهده بین‌المللی الزام‌آور در مورد صیانت از شأن، حقوق و آزادی‌های بشر در برابر سوءاستفاده از پیشرفت‌های زیستی و



پزشکی است، طی اصول و قواعدی چند (از قبیل اصل رضایت، منع تبعیض، اولویت فرد بر تحقیقات علمی، ضرورت مباحثه عمومی راجع به جنبه‌های مختلف زیست‌فن‌آوری، حمایت از افراد ناتوان در ابراز رضایت، منع خرید و فروش اعضاء بدن و غیره) تعهداتی را بر دولت‌ها بار نموده است.<sup>۲۰</sup>

### دوم: مواضع دول و اقدامات سازمان‌های بین‌المللی

اشاره شد که بیشتر دولت‌ها درباره این که شبیه‌سازی موگد انسان ممنوع است و با حقوق و آزادی‌های بشر و شأن او مغایرت دارد اتفاق نظر دارند. بسیاری از دولت‌ها مقررات کیفری و نظام‌های کنترلی ویژه‌ای برای اجرای این ممنوعیت در قلمرو سرزمینی و صلاحیتی خود تدارک دیده‌اند.

برای مثال در انگلستان، پس از آن که مجلس اعیان در ۲۲ ژانویه ۲۰۰۱ حکم کرد که شبیه‌سازی جنین‌های انسانی برای تحقیقات سلول‌های پایه مجاز است، مشروط بر این که نهایتاً بعد از چهارده روز از زمان ایجاد، آن‌ها را از بین ببرند،<sup>۲۱</sup> پارلمان قانونی وضع کرد که مانع شبیه‌سازی موگد انسان شد. این قانون، قرارداد جنین‌های شبیه‌سازی شده در رحم را منع می‌کند. بنابراین شبیه‌سازی انسانی برای مقاصد تحقیقاتی را جایز می‌داند.<sup>۲۲</sup>

برعکس، در ایالات متحد این دیدگاه وجود دارد که شبیه‌سازی انسان به هر صورت و به هر دلیل باید ممنوع باشد.<sup>۲۳</sup> البته این دولت و دولت‌های دیگری که همین موضع را اتخاذ کرده‌اند (از قبیل آلمان و اسپانیا) با شبیه‌سازی انسان برای مقاصد درمانی - تحقیقی با استفاده از سلول‌های پایه بالغ (غیر جنینی) موافق‌اند و مخالفت آن‌ها با شبیه‌سازی انسان برای استفاده از سلول‌های پایه جنینی برای مقاصد تحقیقی - درمانی این است که مخالف از بین بردن جنین انسانی برای چنین مقاصدی هستند. این دولت‌ها همانند واتیکان<sup>۲۴</sup> معتقدند حیات انسان از زمان

لقاح تخمک و اسپرم به وقوع می‌پیوندد و آنچه حاصل می‌شود دیگر توده‌ای سلول نیست، بلکه انسانی است که باید مورد حمایت واقع شود. دلیل دیگری که این دولت‌ها ارائه می‌دهند، عدم امکان نظارت مؤثر بر شبیه‌سازی انسان برای مقاصد درمانی - تحقیقی است. آن‌ها ابراز می‌دارند که چنانچه این نوع شبیه‌سازی مجاز دانسته شود، امکان ردیابی و پیگرد افرادی که مبادرت به شبیه‌سازی مولد انسان نیز می‌کنند غیر ممکن خواهد بود. دلایل دیگر آن‌ها، استثمار زنان جهت دستیابی به تخمک‌های آن‌ها و ابهام در منافع حاصل از شبیه‌سازی تحقیقی - درمانی با استفاده از سلول‌های جنینی است.<sup>۲۵</sup> این مواضع عیناً در سازمان‌های بین‌المللی نیز انعکاس یافته‌اند و در اینجا به مهم‌ترین فعالیت‌هایی که در سطوح منطقه‌ای و جهانی در مورد شبیه‌سازی انسان صورت گرفته و قواعدی که در این باره تنظیم شده‌اند اشاره خواهد شد.

#### الف) اقدامات منطقه‌ای:

بیش‌ترین اقداماتی که در سطح منطقه‌ای برای تنظیم قواعدی در خصوص اخلاق زیستی به طور عام و شبیه‌سازی انسان به طور خاص صورت گرفته، در منطقه اروپا بوده است. اقدامات صورت گرفته در اروپا به حدی است که در حال حاضر دولت‌های این قاره با چندین قطعنامه و کنوانسیون مواجه هستند.

البته در آفریقا هم مصوبه‌ای در چهارچوب سازمان وحدت آفریقا به تصویب دولت‌های عضو آن سازمان رسیده است.<sup>۲۶</sup> این مصوبه که ناظر بر اخلاق زیستی است و مقرره‌ای درباره شبیه‌سازی انسان به طور خاص ندارد، ضمن تأکید بر تعدادی از اسناد حقوق بشری و اعلام ضرورت صیانت از شأن و منزلت انسان و حمایت از حقوق افراد در بهره‌مندی از تحقیقات علمی، به طور خیلی مختصر به بیان برخی از اصول اخلاق زیستی اکتفا کرده است. ولی در اروپا تحقیقات متعددی در این خصوص انجام شده است. نتیجه مطالعات کارشناسی آن منطقه نیز

به صورت مصوبه‌های سازمان‌ها و ارکان مختلف اتحادیه اروپا و شورای اروپا تجلی یافته است. اسنادی که در این منطقه تنظیم شده‌اند هم در برگیرنده اخلاق زیستی به طور عام هستند و هم به مسائل خاص اخلاق زیستی پرداخته‌اند. از جمله این موارد می‌توان از مهندسی ژنتیک، پیوند و اعطاء عضو، مالکیت معنوی تحقیقات زیستی و پزشکی، ایدز، سالمندان، معلولان ذهنی و جسمی، و البته شبیه‌سازی انسان نام برد. در این جا تنها به اقدامات صورت گرفته درباره شبیه‌سازی انسان پرداخته خواهد شد.

#### ۱- اتحادیه اروپا<sup>۲۷</sup>

بیش‌تر اسنادی که در چهارچوب اتحادیه اروپا تصویب شده‌اند توسط پارلمان اروپایی<sup>۲۸</sup> تنظیم و تصویب شده‌اند. این پارلمان تاکنون چندین مصوبه درباره شبیه‌سازی انسان صادر کرده است<sup>۲۹</sup>. علاوه بر این، کمیسیون اروپایی<sup>۳۰</sup> و شورای اروپایی<sup>۳۱</sup> که از ارکان اتحادیه اروپا هستند نیز به این امر توجه داشته و مطالعاتی در این مورد به عمل آورده و مصوباتی صادر کرده‌اند.<sup>۳۲</sup>

پارلمان اروپایی، پس از آن‌که در مصوبه سال ۱۹۹۶ خود خواستار ممنوعیت ایجاد نطفه‌های انسانی برای مقاصد تحقیقی شد، در سال ۱۹۹۷ اولین قطعنامه خود را درباره شبیه‌سازی انسان صادر کرد. پارلمان در این قطعنامه ضمن اظهار نگرانی از شبیه‌سازی گوسفند در مؤسسه رازلین، مخالفت خود را با شبیه‌سازی انسان اعلام کرد. این قطعنامه، ضمن آن‌که بر اولویت داشتن فرد انسان بر منافع جمعی یا اجتماعی و علمی تأکید کرد، خواستار بهره گرفتن از تحقیقات علمی و فن‌آوری زیستی شد و بر منافع و مزایای این علم تأکید کرد و دلایل اعضای پارلمان در مخالفت با شبیه‌سازی انسان را به نحو زیر بیان داشت:

با اعتقاد راسخ بر این که شبیه‌سازی انسان، چه آزمایشی، [چه] در چهارچوب درمان ناباروری، تشخیص پیش از استقرار<sup>۳۳</sup>، پیوند بافت یا با هر هدف دیگر، نمی‌تواند تحت هیچ شرایطی توسط هیچ جامعه‌ای توجیه یا تحمل شود، چون نقض جدی حقوق بنیادین بشر است و از آن‌جا که گزینش نژادپرستانه و به‌گزینانه<sup>۳۴</sup> نوع بشر را ممکن می‌دارد، شأن بشر را مخدوش می‌کند و مستلزم آزمایش بر انسان‌ها است، با اصل برابری افراد انسانی مغایر است...<sup>۳۵</sup>

بر این اساس، اعضاء پارلمان خواستار ممنوعیت همه اشکال شبیه‌سازی و تعیین مجازات برای آن شدند.<sup>۳۶</sup> پارلمان، علاوه بر این که خواستار ممنوعیت حقوقی شبیه‌سازی انسان شد، از پزشکان و پژوهشگران خواست تا به صورت داوطلبانه از مشارکت در شبیه‌سازی انسان خودداری کنند.<sup>۳۷</sup> پارلمان در این مصوبه هم‌چنین خواستار تشکیل کمیته‌های اخلاقی و اقدامات مختلفی برای حصول اطمینان از اجرای این ممنوعیت شده است. از جمله نکات جالب توجه دیگر این مصوبه، اعلام حق هر فرد بر هویت ژنتیکی خود است.<sup>۳۸</sup> این موارد با اندکی جرح و تعدیل در مصوبات بعدی پارلمان اروپایی تکرار شده‌اند.<sup>۳۹</sup>

در قطعنامه سال ۲۰۰۰، پارلمان ضمن آن که اظهار می‌دارد هیچ تفاوتی بین شبیه‌سازی تحقیقی - درمانی و شبیه‌سازی مولد وجود ندارد، چنین اعلام می‌کند که شبیه‌سازی تحقیقی: که شامل ایجاد نطفه‌های انسانی فقط برای اهداف تحقیقاتی است، معضل اخلاقی فاحشی مطرح می‌کند، از مرز [پذیرفته شده] هنجارهای تحقیقاتی عبور می‌کند و با تدبیر عمومی مصوب اتحادیه اروپایی مغایر است.<sup>۴۰</sup>

دلایل پارلمان اروپایی برای ممنوع دانستن انواع شبیه‌سازی انسان، اگر محدود به مواردی باشند که در مصوبه سال ۱۹۹۷ بیان شده‌اند، دلایلی هستند که در مباحث قبلی نیز مورد بررسی قرار گرفته‌اند. اشاره به مغایرت شبیه‌سازی با شأن بشر و حقوق بشر افراد، بدون آن که مشخص شود به چه نحو با این شأن و حقوق

مغایرت دارد، از عبارات کلیشه‌ای است که در بسیاری از موارد ملاحظه می‌شود. هم‌چنین، شبیه‌سازی به خودی خود هیچ ارتباطی به انتخاب نژادپرستانه یا به‌گزینی افراد ندارد، بلکه این اعمال، صرف‌نظر از نحوه پیدایش انسان‌ها وجود دارند و ارتباطی به فرآیند تولید مثل انسان‌ها ندارند.

اشاره به این‌که شبیه‌سازی مستلزم آزمایش بر انسان‌ها است از مواردی است که واقعاً بی‌ربط به نظر می‌رسد. در صنایع داروسازی و در علوم پزشکی و حتی نظامی، به صورت روزمره و در سراسر جهان بر انسان‌ها آزمایش می‌شود. این امر البته باید با لحاظ شرایطی و بر اساس قواعد و مقرراتی که در قوانین رسمی و هم در مجموعه‌های اخلاقی حرفه‌ای معین شده‌اند صورت گیرد؛ ولی صرف آزمایش بر انسان‌ها هیچ‌گونه معضل یا مانع اخلاقی یا حقوقی ندارد. در خود اروپا و در کمیته وزرای شورای اروپا، توصیه‌نامه‌ای در این خصوص صادر شده است که آشکارا آزمایش بر انسان‌ها را در چهارچوبی تعریف شده ممکن و حتی لازم می‌داند. این امر و هم‌چنین استناد به «مرز هنجارهای تحقیقاتی» از مواردی هستند که باید در مبحثی جداگانه مورد بررسی قرار گیرند.

گروه مشاوران کمیسیون اروپایی در نظر مشورتی خود به این کمیسیون درباره جنبه‌های اخلاقی تکنیک‌های شبیه‌سازی، ضمن آن‌که بین شبیه‌سازی مولد و تحقیقی - درمانی تمایز قایل شدند، شبیه‌سازی تحقیقی را با لحاظ شرایطی جایز دانسته‌اند. این گروه، شبیه‌سازی مولد را از آن جهت ممنوع می‌دانند که به زعم آن‌ها ابهامات اخلاقی بسیاری، به ویژه در مورد ابزارانگاری انسان و مسئولیت انسان<sup>۴۱</sup>، مطرح می‌سازد. شورای اروپایی هم بر اساس این گزارش مشورتی، شبیه‌سازی انسان را در سطح اروپا ممنوع دانسته و خواهان اقدام دولت‌های عضو برای اتخاذ تدابیر لازم برای این ممنوعیت شده است<sup>۴۲</sup>.

مسئله‌ای که در این گزارش به چشم می‌خورد، عدم تشریح جوانب اخلاقی مبهم و دلیل مخالفت گروه مشاوران با شبیه‌سازی موگد است. این گزارش به‌عنوان گزارشی کارشناسی به جوانب علمی مسئله پرداخته و چند صفحه را به بیان ابعاد علمی شبیه‌سازی اختصاص داده است، در حالی که تنها چند سطر به دلایلی که به اعتقاد گروه مشاوران مانع شبیه‌سازی انسان هستند اختصاص داده شده است. این رویکرد ممکن است بر اثر ناتوانی اعضای گروه از توجیه باورهای خود باشد؛ یا به این دلیل باشد که عقاید خود را بدیهی دانسته و دلیلی برای استدلال و توجیه ادعاهای خود ندیده‌اند. به هر صورت، رویکرد گروه مشاوران و نحوه پرداختن به دلایل ممنوعیت شبیه‌سازی موگد انسان مستدل و مستند نیست و از این نظر از قدرت فکری چندانی برخوردار نیست.

## ۲- شورای اروپا<sup>۴۳</sup>

همان‌گونه که در بالا بیان شد، شورای اروپا به صورت کاملاً علمی و نظام‌مند، از دهه هشتاد به مسائل اخلاق زیستی و شبیه‌سازی توجه و اسناد متعددی در این خصوص تنظیم و تصویب نموده است. در حقیقت، تنها اسناد الزام‌آوری که به صورت معاهده در حقوق بین‌الملل وجود دارند و به طور مستقیم به این مسائل پرداخته توسط این شورا تنظیم شده‌اند، ولی شورای اروپا علاوه بر کنوانسیون اوبدو و پروتکل آن، چندین مصوبه و گزارش درباره این موضوعات تهیه و تصویب کرده است. مهم‌ترین این اسناد عبارتند از:

- توصیه‌نامه ۱۰۴۶ مجمع پارلمانی شورای اروپا درباره استفاده از نطفه و جنین‌های انسانی برای مقاصد تشخیصی، درمانی، علمی، صنعتی و تجاری، مصوب

۲۴ سپتامبر ۱۹۸۶.<sup>۴۴</sup>

- گزارش کمیته ویژه متخصصان اخلاق زیستی شورای اروپا درباره تولید مثل مصنوعی انسان، مورخ ۱۹۸۹.<sup>۴۵</sup>
  - توصیه‌نامه ۱۱۰۰ مجمع پارلمانی شورای اروپا درباره استفاده از نطفه‌ها و جنین‌های انسانی در تحقیقات علمی، مصوب ۲ فوریه ۱۹۸۹.<sup>۴۶</sup>
  - توصیه‌نامه شماره 3 (90) R کمیته وزرای شورای اروپا درباره تحقیقات پزشکی بر انسان‌ها، مصوب ۶ فوریه ۱۹۹۰.<sup>۴۷</sup>
  - نظریه شماره ۲۰۲ مجمع پارلمانی شورای اروپا درباره پیش‌نویس پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق بشر و پزشکی زیستی درباره ممنوعیت شبیه‌سازی انسان‌ها، ۲۳ سپتامبر ۱۹۹۷.<sup>۴۸</sup>
  - دستور شماره ۵۳۴ مجمع پارلمانی شورای اروپا درباره تحقیق روی انسان‌ها و شبیه‌سازی آن‌ها، ۲۳ سپتامبر ۱۹۹۷.<sup>۴۹</sup>
- با بررسی این اسناد و کنوانسیون‌های پیش‌گفته، موارد قابل توجهی در مورد رویکرد شورای اروپا در قبال شبیه‌سازی انسان به چشم می‌خورد که به طور خلاصه بیان می‌شوند:
- عدم تعریف انسان:** در اسناد مصوب شورای اروپا، مراد و مقصود از واژه «انسان» یا «شخص» معین نشده است. در بند ۵ توصیه‌نامه شماره ۱۰۴۶ که چندین بار مورد استناد اسناد دیگر قرار گرفته است، چنین آمده است: با توجه به این که، از زمان لقاح تخمک، حیات انسانی در الگویی مستمر تکامل می‌یابد، و این که تمایز مشخصی [درباره حیات انسان] در فازهای اولیه تکامل (نطفه) ممکن نیست، و این که بدین ترتیب تعریفی از وضعیت زیست‌شناختی نطفه ضرورت دارد... (تأکید اضافه شده است).
- این رویکرد در اسناد بعدی نیز ملاحظه می‌شود. به عبارت دیگر، اسناد مصوب شورای اروپا زمان آغاز حیات انسانی را هم‌زمان با لقاح دانسته‌اند. ولی این اسناد،

به دلیل اختلاف نظر دولت‌ها درباره مفهوم انسان، تعریفی از خودِ انسان ارائه نکرده و آن را به قوانین ملی دولت‌های عضو واگذار کرده‌اند. این اختلاف نظر در گزارش‌های توضیحی کنوانسیون اویدو و پروتکل آن درباره شبیه‌سازی انسان آشکار است. در گزارش توضیحی کنوانسیون اویدو اظهار شده است:

۹... مفهوم انسان به خاطر ماهیت کلی آن استفاده شده است...

۱۹. کنوانسیون هم‌چنین از عبارت "انسان" برای بیان ضرورت حفاظت از شأن و هویت همه انسان‌ها استفاده می‌کند. تأیید شد که اصل مقبول عام این است که شأن انسان و هویت او باید از زمانی که حیات آغاز می‌شود مورد احترام باشند. در گزارش توضیحی پروتکل اختیاری کنوانسیون مزبور نیز بیان شده که: مطابق با رویکرد اتخاذ شده در تهیه کنوانسیون حقوق بشر و پزشکی زیستی، تصمیم گرفته شد تعریف حدود و دامنه عبارت «انسان» به منظور اجرای پروتکل حاضر به قوانین ملی واگذار شود.

به عبارت دیگر، با آن که اسناد مصوب شورای اروپا آغاز حیات انسان را از زمان لقاح دانسته‌اند، تعریفی از خود انسان ارائه نکرده‌اند. دولت هلند هم در اعلامیه که در زمان امضاء به این پروتکل منضم کرده است اظهار داشته که مفهوم انسان را تنها به معنای فرد انسان می‌داند، یعنی انسانی که زاده شده است.<sup>۵۰</sup> این امر با توجه به قواعد حقوق بشر حاکم بر مسائل اخلاق زیستی به طور کلی و شبیه‌سازی انسان به طور خاص تأثیر مشخصی دارد. برای مثال، آیا سقط جنین ناقض حق حیات انسان است؟ آیا شبیه‌سازی تحقیقی - درمانی که با ایجاد نطفه‌های انسانی و از بین بردن آن‌ها ملازمت دارد، ناقض این حق است؟

به هر صورت، مشخص است که رویکرد شورای اروپا مبنی بر این است که هرچند حیات انسانی از زمان لقاح آغاز می‌شود، این امر با حیات انسان موجود متفاوت است و نظام حاکم بر آن نیز بر اساس تعریفی که از انسان ارائه شود،



متفاوت خواهد بود. شورا در حقیقت با توجه به ساختار ژنتیکی انسانی موجود در زایگوت و مراحل مختلف تکاملی جنین، لقاح را مبدأ حیات دانسته است، نه پیدایش فرد و شخص انسان. این امر با توجه به مقررات مفصلی که در توصیه‌نامه شماره ۱۱۰۰ مجمع پارلمانی شورای اروپا درباره استفاده از نطفه‌ها و جنین‌های انسانی در تحقیقات علمی آورده شده کاملاً مشخص است.

توجه به فرد انسان، شأن و حقوق او<sup>۱۵</sup>: رویکرد شورای اروپا نیز، همان‌گونه که در سایر اسناد مربوط به اخلاق زیستی ملاحظه می‌شود، اولویت دادن به فرد انسان در برابر منافع علمی و اجتماعی است. البته این اسناد به هیچ‌وجه نافی ضرورت و لزوم انجام تحقیقات و آزمایش‌ها درباره انسان نیستند؛ بلکه این ضرورت را در چهارچوبی معین و با رعایت اصول و قواعدی مشخص که همان اصول اخلاق زیستی هستند، امکان‌پذیر می‌دانند. در این خصوص، همواره اصل بر این است که فرد انسان بر تحقیقات علمی و منافع اجتماعی حاصل از آن اولویت دارد.

هم‌چنین، این امر مد نظر قرار می‌گیرد که در علوم زیستی و پزشکی، شأن بشر و حقوق و آزادی‌های او همواره باید مورد حفاظت قرار گیرند و هر نوع تحقیقی روی انسان باید با رعایت این حقوق و با توجه به شأن انجام شود. نکته قابل توجه این است که اسناد مربوط به اخلاق زیستی و اسنادی که به طور خاص ناظر بر شبیه‌سازی انسان هستند، تعریفی از شأن بشر و حدود آن، ارائه نکرده‌اند. در خصوص حقوق بشر مرتبط نیز رویکرد غالب این است که در برخی موارد فقط به بیان برخی از اسناد حقوق بشر در مقدمه سند بسنده می‌شود، بدون آن که به حقوق بشر معینی اشاره یا چگونگی یا چرایی ارتباط آن حق با شبیه‌سازی یا هر موضوع دیگری که در سند مورد خطاب قرار گرفته است بیان شود.

البته چنین رویکردی با توجه به ماهیت اسناد به‌عنوان اسنادی حقوقی که برای تدوین و تنظیم قواعدی برای پدیده‌ها و دستاوردهای علمی تدوین شده‌اند و

درب‌گیرنده رویکردی مشخص از بین رویکردهای مختلف می‌باشند، قابل درک و فهم است و برای پی بردن به علت وجودی آن رویکرد و چگونگی ارتباط مفاهیم مورد نظر هر سند با نظام حقوق بشر باید به مباحث مطرح شده در هنگام تهیه سند و مباحثات فلسفی و فکری، سیاسی و اجتماعی کلی که در سطح جوامع صورت می‌گیرند توجه داشت. ولی همان‌گونه که از مطلب زیر مشخص خواهد شد، حتی برخی موارد این مباحثات عاری از استدلال هستند و تنها به اعلام رویکردی معین اکتفا کرده‌اند.

**رویکرد شورای اروپا به شبیه‌سازی انسان:** از اسناد مصوب شورای اروپا مشخص است که رویکرد آن به شبیه‌سازی انسان اندکی مردد است. این شورا، ضمن آن‌که به صورتی قاطع و مشخص شبیه‌سازی مولد را ممنوع می‌داند، شبیه‌سازی تحقیقی - درمانی را مبهم باقی گذاشته است. البته در این مصوبات ایجاد عمدی نطفه انسانی برای مقاصد تحقیقاتی به صراحت ممنوع دانسته شده، ولی ابهامی که در پروتکل اختیاری کنوانسیون اویدو درباره شبیه‌سازی انسان در مورد معنا و دامنه مفهوم انسان وجود دارد این مسئله را کمی مردد کرده است.

در بند ۱۴ (الف - ۳) قطعنامه ۱۰۴۶ از دولت‌های عضو خواسته شده که ایجاد نطفه‌های انسانی را از طریق تلقیح خارج از رحم برای مقاصد تحقیقی ممنوع اعلام کنند. در بند الف - ۴ همان قطعنامه هم ایجاد انسان‌های هم‌سان از طریق شبیه‌سازی یا هر روش دیگری و دوقلوهای هم‌سان ممنوع دانسته شده است. بنابراین، در این مصوبه مشخص است که شبیه‌سازی مولد ممنوع دانسته شده، ولی مسئله شبیه‌سازی تحقیقی - درمانی مبهم است؛ زیرا از طرفی تصریحی به آن نشده، ولی از طرفی ایجاد نطفه انسانی به روشی غیر از شبیه‌سازی (تلقیح مصنوعی) ممنوع دانسته شده است.

در قطعنامه شماره ۱۱۰۰ رویکرد دیگری ملاحظه می‌شود. در این قطعنامه شبیه‌سازی ملکول‌ها یا ژن‌ها مجاز دانسته شده (بند ۱۸) ولی ایجاد عمدی نطفه یا جنین برای مقاصد تحقیقی علمی ممنوع دانسته شده است (بند ۲۱). در این قطعنامه به نحوه ایجاد نطفه یا جنین برای مقاصد تحقیقی اشاره‌ای نشده است؛ بنابراین ممکن است استدلال شود که این ممنوعیت شامل همه موارد ایجاد نطفه برای مقاصد تحقیقی می‌شود؛ از جمله شبیه‌سازی تحقیقی - درمانی.

همین رویکرد در کنوانسیون اویدو نیز ملاحظه می‌شود. بند دو ماده ۱۸ این کنوانسیون تصریح دارد که ایجاد نطفه‌های انسانی برای اهداف تحقیقاتی ممنوع است. این مقرره اشاره‌ای به نحوه ایجاد نطفه نکرده و مطلق این امر را ممنوع دانسته است. البته بند اول این ماده، بدون این که موضعی درباره تحقیق روی نطفه‌های انسانی اتخاذ کند، مقرر داشته در مواردی که قوانین ملی چنین تحقیقی را مجاز می‌دانند، باید حفاظت کافی از نطفه نیز پیش‌بینی شود. ولی ایجاد نطفه برای مقاصد تحقیقی ممنوع اعلام شده است. بدیهی است این ممنوعیت شامل شبیه‌سازی تحقیقی - درمانی نیز می‌شود. زیرا مقرره مزبور صرف‌نظر از نحوه ایجاد نطفه لازم‌الاجرا است.

با این حال، پروتکل اختیاری این کنوانسیون و گزارش توضیحی آن، ابهام پیش‌گفته را دوباره مطرح می‌سازد. ماده یک این پروتکل در مقام بیان تعهد و موضوع اصلی پروتکل اظهار می‌دارد، هر مداخله‌ای برای ایجاد انسانی که از نظر ژنتیکی همانند انسان دیگری باشد ممنوع است. این مقرره ممکن است بنا به تعریفی که از انسان می‌شود به صورت‌های مختلفی تفسیر شود. چنانچه دولتی معتقد باشد که فرد انسان از زمان لقاح پدید می‌آید، این مقرره مانع شبیه‌سازی تحقیقی - درمانی خواهد بود. ولی اگر دولتی هم‌چون دولت هلند معتقد باشد که

مفهوم انسان تنها ناظر بر فرد انسانی است که زاییده شده است، می‌توان گفت که پروتکل مذکور مانع شبیه‌سازی تحقیقی - درمانی نخواهد بود. مسئله دیگری که در خصوص این پروتکل وجود دارد این است که این پروتکل در حقیقت باید در پرتو کنوانسیون اویدو تفسیر شود؛ زیرا پروتکل اختیاری آن سند است. همان‌گونه که بیان شد، کنوانسیون مزبور ایجاد نطفه‌های انسانی را به قصد تحقیق بر آنها به طور مطلق ممنوع دانسته است. در عین حال، با توجه به مقدمه پروتکل، که بر شبیه‌سازی موکد دلالت دارد، این تفسیر را به ذهن متبادر می‌سازد که پروتکل در حقیقت ناظر بر شبیه‌سازی موکد است و شبیه‌سازی تحقیقی - درمانی را مورد خطاب قرار نداده است.

به هر صورت، به نظر می‌رسد که با توجه به سایر اسناد و با توجه به مفاد صریح کنوانسیون اویدو و ارتباط آن با پروتکل اختیاری، تفسیر صحیح این است که ایجاد عمدی نطفه‌های انسانی برای مقاصد تحقیقاتی، صرف نظر از نحوه ایجاد آنها و از جمله از طریق شبیه‌سازی، ممنوع باشد. به عبارت دیگر، رویکرد شورای اروپا ممنوعیت کامل و مطلق همه انواع شبیه‌سازی انسان است.

ولی شورای اروپا برای این رویکرد خود استدلالی ارائه نکرده است. مجمع پارلمانی این شورا در نظریه شماره ۲۰۲ خود به ماده ۱۳ کنوانسیون اویدو اشاره کرده و اظهار داشته این ماده به صورت تلویحی شبیه‌سازی انسان را ممنوع می‌کند. این ماده مقرر می‌دارد:

مداخله‌ای که هدف آن جرح و تعدیل ژنوم انسانی است تنها می‌تواند به دلایل پیشگیری، تشخیصی یا درمانی صورت گیرد و فقط اگر هدف آن معرفی تعدیلاتی در ژنوم اخلاف نباشد.

بدیهی است اعضاء محترمی که نظریه مزبور را صادر کرده‌اند کمی تعجیل نموده‌اند؛ زیرا در شبیه‌سازی نه تنها در ژنوم انسانی جرح و تعدیلی صورت نمی‌گیرد، بلکه ژنوم فرد اعطاء‌کننده آن محفوظ باقی می‌ماند.

در همان نظریه، به مفاد ماده یک کنوانسیون اویدو نیز اشاره شده است. این ماده ناظر بر حفظ شأن و هویت همه افراد انسانی در کاربردهای زیست‌شناسی و پزشکی است. مجمع پارلمانی با اشاره به مفاد این کنوانسیون اعلام کرده که چون شبیه‌سازی ناقض شأن و تمامیت انسان‌ها است، این ماده مانع شبیه‌سازی انسان است. ناگفته پیداست که اعضاء مجمع پارلمانی هیچ استدلالی برای این نظر خود ارائه نکرده‌اند و با فرض گرفتن این که شبیه‌سازی ناقض شأن انسان است، بدون این که تعریفی از شأن بشر ارائه کنند یا حتی استدلال کنند که چرا و چگونه شبیه‌سازی با همین مفهوم مبهم و ناشناخته منافات دارد، آن را ممنوع اعلام کرده‌اند. رویکرد مشابهی در پروتکل اختیاری کنوانسیون اویدو ملاحظه می‌شود. در مقدمه این پروتکل اعلام شده است که شبیه‌سازی انسان موجب ابزارانگاری او است و متضمن مشکلات جدی پزشکی، روان‌شناختی و اجتماعی برای همه افراد ذی‌ربط است. هم‌چنین، شبیه‌سازی مغایر با شأن و هویت افراد پنداشته شده است. گزارش توضیحی این پروتکل دلیل این رویکرد را به نحو زیر تشریح کرده است:

۳. شبیه‌سازی عمدی انسان‌ها تهدیدی علیه هویت انسانی است زیرا حفاظت واجبی را که در برابر تعیین پیشاپیش ترکیب ژنتیکی انسانی توسط شخص ثالث وجود دارد نادیده می‌گیرد.

استدلال اخلاقی دیگری که برای ممنوعیت شبیه‌سازی انسان‌ها وجود دارد پیش از هر چیز مبتنی بر شأن بشر است که به دلیل ابزارانگاری به واسطه شبیه‌سازی مصنوعی انسان به خطر می‌افتد. حتی اگر در آینده بتوان وضعیتی را به فرض تصور کرد که به نظر برسد ابزارانگاری شبیه‌ساخته‌ها موضوعیت ندارد، این

توجیه اخلاقی کافی برای شبیه‌سازی انسان‌ها نیست. از آن‌جا که باز ترکیب طبیعی ژنتیکی آزادی بیش‌تری برای انسان ایجاد می‌کند تا ترکیب ژنتیکی از پیش تعیین شده، به نفع همه اشخاص است که ماهیت اساساً اتفاقی ترکیب ژنتیکی خود را حفظ کنند. این استدلال به چند دلیل مخدوش است. اول این‌که شبیه‌سازی را نافی هویت فرد شبیه‌ساخته می‌داند. ترکیب ژنتیکی انسان تنها بخشی از هویت هر فرد را تشکیل می‌دهد و بیش از آن، عوامل محیطی هستند که هویت هر انسانی را شکل می‌دهند. این مسئله حتی در گزارش متخصصان اتحادیه اروپا منعکس شده است. گزارشی که در مقام ممنوعیت شبیه‌سازی مولد تهیه شده است.<sup>۵۲</sup>

مورد دیگر این است که این گزارش، شبیه‌سازی را چون موجب ابزارانگاری شبیه‌ساخته‌ها خواهد شد با شأن بشر مغایر می‌داند. بدیهی است که این دلیلی نیست که در مقام نقد و نفی فرآیند شبیه‌سازی بتوان اقامه کرد زیرا برخورد افراد دیگر که ممکن است ابزارانگاره باشد یا نباشد، نمی‌تواند ملاکی برای ارزیابی درستی یا نادرستی خود فرآیند شبیه‌سازی از نظر اخلاقی باشد. اگر چنین باشد، پس باید گفت چون برخی از مردم با سیاه‌پوستان رفتارهای نژادپرستانه دارند و آن‌ها را هم‌چون برده می‌دانند، پس زاد و ولد سیاه‌پوستان امری غیر اخلاقی است و باید ممنوع شود! در خود گزارش هم وضعیتی پیش‌بینی شده است که ممکن است در آن نسبت به شبیه‌ساخته‌ها نگرش‌های ابزارانگاره وجود نداشته باشد، ولی با کمال تعجب در این وضعیت نیز شبیه‌سازی، بدون ارائه دلیل، فاقد توجیه دانسته شده است! مسئله آخری که در این استدلال مخدوش است پیش‌فرضی است که براساس آن شبیه‌ساخته‌ها از آزادی کم‌تری به نسبت افراد دیگر برخوردارند. چنین تصویری مبتنی بر این فرض است که بر اثر این امر در واقع ساختار ژنتیکی فرد شبیه‌ساخته را انسانی دیگر معین می‌کند. در نتیجه، شبیه‌ساخته از مقامی برابر با شبیه‌ساز برخوردار نبوده، در حد مملوک یا برده او است. بدیهی است که موجودی که در

شبیه‌سازی انسانی به وجود می‌آید ساختار ژنتیکی هسته‌ای او با فردی که از پیش وجود داشته یکسان است. ژنوتیپ فرد شبیه‌ساخته تنها در صورتی کاملاً همانند فرد اعطاء‌کننده ژن‌ها خواهد بود که زن اعطاء‌کننده تخمک، ژن‌های هسته‌ای را نیز اعطاء کرده باشد. در این حالت، حتی اگر خود آن زن هم حامل نطفه حاصل از شبیه‌سازی باشد، باز نمی‌توان تصور کرد که شبیه‌ساخته فاقد اراده آزاد خواهد شد. آنچه به افراد انسان اراده و اتونومی می‌دهد ژن‌های آن‌ها نیست. ژنوتیپ هر فرد تنها بخشی از شخصیت و هویت او را تشکیل می‌دهد. بسیاری از جنبه‌های شخصیتی و هویتی انسان‌ها را عوامل غیر ژنتیکی تشکیل می‌دهند. به عبارت دیگر، ژنوتیپ افراد به آن‌ها آزادی و اتونومی نمی‌بخشد. مثال بارز این گفته هم دو یا چندقلوهای هستند که هر یک دارای ژنوتیپی یکسان هستند ولی از اتونومی و آزادی نیز برخوردارند. تصور این‌که استفاده از ژن‌های موجود فردی برای شبیه‌سازی فردی دیگر به منزله تعیین ساختار ژنتیکی او است و در نتیجه رابطه مالک و مملوک ایجاد خواهد کرد، تصوری است که ریشه در داستان‌های علمی تخیلی دارد و فاقد مبنای اخلاقی و حقوقی درست است. در فرآیند تلقیح مصنوعی نیز فردی با استفاده از تخمکی معین و اسپرم فردی خاص، نطفه‌هایی را ایجاد می‌کند و در رحم زنی قرار می‌دهد. این فرآیند نیز از تولید مثل طبیعی فاصله زیادی دارد. اگر در شبیه‌سازی گامی دیگر از تولید مثل اتفاقی و طبیعی فاصله گرفته شود و دخالت انسان در خلق انسانی دیگر بیش‌تر شود، نمی‌توان ادعا کرد که برابری شبیه‌ساز و شبیه‌ساخته از بین رفته و رابطه برده و برده‌دار یا مالک و مملوک جای رابطه برابر دو انسان را گرفته است.

در نهایت باید گفت که رویکرد شورای اروپا در ممنوع دانستن شبیه‌سازی انسان بدون استدلالی منطقی صورت گرفته است.

**ب) اقدام در سطح جهانی**

در سطح جهان و در چهارچوب سازمان‌های بین‌المللی، بحث شبیه‌سازی انسان در اواخر دهه نود میلادی رونق گرفت و سازمان‌های بین‌المللی مختلفی در این زمینه به تصویب قطعنامه پرداختند. از جمله مهم‌ترین این سازمان‌ها که فعالیت آن‌ها از اهمیت بیش‌تری برخوردار است باید به اقدامات سازمان بهداشت جهانی، سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو)، و مجمع عمومی سازمان ملل متحد اشاره کرد.

**۱- سازمان بهداشت جهانی**

سازمان بهداشت جهانی دو قطعنامه در مورد شبیه‌سازی انسان صادر کرده است که یکی در سال ۱۹۹۷ با عنوان شبیه‌سازی در تولید مثل انسانی<sup>۵۳</sup> و دیگری در سال ۱۹۹۸ با عنوان ابعاد اخلاقی، علمی و اجتماعی شبیه‌سازی در بهداشت انسانی<sup>۵۴</sup> صادر شده است.

در هر دو قطعنامه که توسط مجمع عمومی سازمان صادر شده‌اند، شبیه‌سازی مولد انسان از نظر اخلاقی مردود و با شأن و تمامیت بشر مغایر دانسته شده است. قطعنامه سال ۱۹۹۸ به "کنسنسوس حاصل درباره شبیه‌سازی انسان با اهداف مولد" و پس از فهرست کردن برخی از اسناد بین‌المللی مرتبط، به اطلاعات حاصل از تحقیقات انجام شده بر حیوانات اشاره و بر اساس آن شبیه‌سازی را فرآیندی اعلام می‌کند که برای انسان ایمن نیست. پس از آن پنجمین بند مقدمه قطعنامه ۱۹۹۸ اعلام می‌دارد: با شناسایی این که پیشرفت‌های [حاصل] در شبیه‌سازی ابعاد بی‌سابقه اخلاقی دربردارند و مسائل مهمی را از نظر ایمنی فرد و نسل‌های بعدی انسان‌ها مطرح می‌کنند... با توجه به این مقدمات، قطعنامه ۱۹۹۸ سازمان بهداشت جهانی از دولت‌ها می‌خواهد اقداماتی را برای منع شبیه‌سازی مولد انسان به عمل آورند (بند دو) و به



منظور تسهیل این امر از دبیر کل می‌خواهد دولت‌ها را در جریان پیشرفت‌های حاصل قرار دهد (بند سه).

نکته قابل توجه در این قطعنامه‌ها توجه به شبیه‌سازی موکد است. این قطعنامه‌ها رویکرد خاصی نسبت به شبیه‌سازی تحقیقی - درمانی اتخاذ نکرده و به نظر می‌رسد تصمیم در این باره را به دولت‌ها واگذار کرده‌اند. اشاره به ابعاد اخلاقی شبیه‌سازی موکد ضمن توجه به ایمنی این فرآیند از دیگر نکات مهم این قطعنامه‌ها است. مفاد قطعنامه‌ها، هم‌چون اسناد دیگری که در این خصوص تصویب شده‌اند، مشخص نمی‌کنند که دقیقاً چرا شبیه‌سازی غیر اخلاقی است. اشارات کلی و مبهم به شأن و تمامیت بشر نیز کمکی به درک این مسئله نمی‌کند.

## ۲- یونسکو

سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) تاکنون سه اعلامیه درباره مسائل مرتبط با اخلاق زیستی و علوم و فنون زیستی صادر کرده است. این اسناد عبارتند از: اعلامیه جهانی درباره ژنوم انسانی و حقوق بشر<sup>۵۵</sup>؛ اعلامیه بین‌المللی درباره اطلاعات ژنتیکی انسانی<sup>۵۶</sup>؛ و اعلامیه جهانی درباره اخلاق زیستی و حقوق بشر<sup>۵۷</sup>.

اعلامیه یونسکو درباره ژنوم انسانی بر حفظ حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین او در تحقیقات علمی بسیار تأکید کرده است. در واقع، اساس این اعلامیه و غایت آن چیزی جز این نیست. علت وجودی این اعلامیه ایجاد توازن بین ضروریات علمی و آزادی‌های دانشمندان در انجام تحقیقات و صیانت از شأن بشر و حقوق و آزادی‌های او است. ولی اعلامیه مذکور، هم‌چون همه اسناد موجود دیگری که درباره اخلاق زیستی یا حقوق بشر صادر شده‌اند، توضیحی درباره شأن بشر نداده و مقصود خود را از این عبارت مشخص و معین نکرده است. در ماده یک این اعلامیه مقرر شده است که:

ژنوم انسانی مبنای وحدت بنیادین همه اعضاء خانواده بشری، و همچنین شناسایی شأن ذاتی و تنوع آن‌ها است. در مفهومی نمادین، [ژنوم انسانی] میراث بشریت است.

این در حالی است که مفهوم «انسان» و هویت انسان فراتر از ساختار ژنتیکی صرف است و شناسایی شأن ذاتی افراد تنها مبتنی بر ژنوم انسانی نیست، زیرا هر سلول انسان دارای ژنوم انسان است ولی فاقد شأن و منزلت انسانی کامل می‌باشد.<sup>۵۸</sup> اعلامیه مذکور در ماده یازده نیز مقرر داشته که:

رویه‌هایی که مغایر شأن بشر هستند، هم‌چون شبیه‌سازی موکد انسان، مجاز نخواهند بود. دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی صالح برای همکاری در شناسایی چنین رویه‌ها و اتخاذ تدابیر لازم در سطوح ملی و بین‌المللی جهت حصول اطمینان از این‌که اصول مقرر در این اعلامیه محترم شمرده می‌شوند، دعوت می‌شوند.

مشخص نیست منظور اعلامیه از مغایرت شبیه‌سازی موکد با شأن انسان چیست؟ اگر ژنوم انسانی میراث بشریت است و مبنای شناسایی شأن ذاتی انسان، شبیه‌سازی چگونه با آن مغایرت دارد؟ درست است که شبیه‌سازی تنوع ژنتیکی را افزایش نمی‌دهد، علی‌رغم تفاوت ژن‌های میتوکندری در شبیه ساخته و اعطاء‌کننده ژن‌ها؛ ولی می‌توان گفت که تنوع موجود را حفظ می‌کند و از آن نمی‌کاهد. پس فرآیندی که نه تنوع ژنتیکی انسان را کاهش می‌دهد و نه تغییری در ژن‌های موجود ایجاد می‌کند، به چه نحو با شأن بشر مغایرت دارد و اساساً مقصود و منظور یونسکو از شأن بشر چیست؟ این‌ها سؤالاتی هستند که اعلامیه ژنوم انسانی به هیچ وجه پاسخی به آن‌ها نمی‌دهد. از محتوای دو اعلامیه دیگر یونسکو که تأکید مضاعفی بر صیانت از شأن بشر و حقوق و آزادی‌های فرد در تحقیقات علمی دارند نیز نمی‌توان برای این سؤالات پاسخی استنباط کرد.<sup>۵۹</sup>

### ۳- مجمع عمومی سازمان ملل

در پنجاه و ششمین اجلاس مجمع عمومی به درخواست فرانسه و آلمان<sup>۶۰</sup> مسئله تهیه کنوانسیون بین‌المللی علیه شبیه‌سازی مولد انسان در دستور کار مجمع قرار گرفت. در همان جلسه، مجمع عمومی کمیته ویژه بررسی تهیه کنوانسیون بین‌المللی علیه شبیه‌سازی انسان را تأسیس کرد و از آن خواست که گزارش کار خود را به پنجاه و هفتمین اجلاس مجمع عمومی ارائه دهد. همچنین توصیه کرد که این امر در چهارچوب یک گروه کاری در کمیته ششم مجمع (کمیته حقوقی) ادامه یابد.<sup>۶۱</sup>

مواضع دولت‌ها هم در کمیته ویژه و هم در گروه کاری کمیته ششم، انعکاسی از مواضع پیش گفته بود<sup>۶۲</sup>. همه دولت‌ها اتفاق نظر داشتند که شبیه‌سازی مولد انسان متضمن مسایل و نگرانی‌های مذهبی، اخلاقی، علمی و متضمن آثار و تبعات مختلفی در خصوص شأن بشر است و باید منع گردد.<sup>۶۳</sup> اختلاف نظر راجع به دامنه این ممنوعیت و شیوه انجام آن بود.

برخی از نمایندگان اعتقاد داشتند که باید هر چه سریع‌تر کنوانسیون بین‌المللی برای منع شبیه‌سازی مولد انسان تهیه شود. به نظر این گروه از دولت‌ها، ابتدا می‌بایست شبیه‌سازی مولد منع گردد و سپس راجع به اشکال دیگر آن (تحقیقی - درمانی) بحث شود. این دولت‌ها بیان کردند که چنین روشی هم از لحاظ عملی و هم از نظر اصولی درست‌تر است. آن‌ها با اشاره به این که کار شبیه‌سازی انسان هم‌اکنون نیز در حال پیگیری است، اعلام داشتند که ضرورت تهیه کنوانسیون بین‌المللی جهت منع چنین عملی در اسرع وقت، حیاتی است.

در مقابل، گروه دیگری از دولت‌ها از ممنوعیت فراگیر اشکال مختلف شبیه‌سازی انسان حمایت می‌کردند. دلایل این گروه نیز، علاوه بر آنچه قبلاً ذکر شد، این بود که منع جزئی شبیه‌سازی انسان (مولد) پیام اشتباهی را به جامعه

بین‌المللی خواهد داد و ممکن است تصور شود که دیگر اشکال شبیه‌سازی مجاز و بدون اشکال هستند، و این که منع جزئی موجب ابهام حقوقی خواهد بود. شیوه پیشنهادی دیگر این بود که شبیه‌سازی تا هنگام لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون علیه شبیه‌سازی مولد انسان، به حالت تعلیق درآید. دیدگاه دیگر این بود که شبیه‌سازی مولد به صورت دائم ممنوع اعلام و شبیه‌سازی انسان برای مقاصد تحقیقی - درمانی به مدت پنج سال منع شود تا جامعه بین‌المللی فرصت ارزیابی تغییرات در موازین و پیشرفت‌های علمی را داشته باشد. پیشنهاد دیگر این بود که کنوانسیون تهیه شود که تمرکز آن بر شبیه‌سازی مولد انسان و در عین حال حاوی مقرراتی درباره شبیه‌سازی تحقیقی - درمانی باشد که دولت‌ها بتوانند به این مقررات شرط وارد نمایند یا آن‌ها را بپذیرند.

حاصل تعامل دیدگاه‌ها و برآیند نظرهای مختلف، دو پیش‌نویس بود که توسط دو گروه از دولت‌ها تنظیم شد: یکی پیش‌نویس قطعنامه‌ای که به مجمع توصیه می‌کرد کار تهیه کنوانسیون بین‌المللی برای منع شبیه‌سازی مولد انسان را پیگیری کند،<sup>۶۴</sup> و دیگری پیش‌نویس قطعنامه‌ای بود که ممنوعیت فراگیر همه اشکال شبیه‌سازی را مد نظر داشت.<sup>۶۵</sup> طرح اول به L.8، و طرح دوم به L.3 معروف شد. هر دو طرح با اشاره به اعلامیه جهانی ژنوم انسانی و حقوق بشر مصوب یونسکو در ۱۹۹۷، از خطراتی که از جانب علوم زیستی متوجه تمامیت و شأن بشر می‌باشد ابراز نگرانی کرده، هدف خود را پیشگیری از مخدوش شدن شأن بشر بر اثر پیشرفت‌های علمی اعلام می‌کردند. همچنین، اتخاذ تدابیر موقتی، و در طرح L.3 تدابیر دائمی، در سطح ملی برای پیشگیری از مخدوش شدن شأن افراد بر اثر خطرات بالقوه علوم زیستی پیش‌بینی شده بود.

هر دو طرح عناصر یکسانی را برای درج در کنوانسیون آتی پیش‌بینی کرده بودند. از جمله: دامنه تعاریف (که بسیار مورد تأکید بود)، هدف (که در طرح

L.۳ ممنوعیت کلی و در L.۸ ممنوعیت جزئی مد نظر بود)، نحوه اجرا در سطح ملی، تدابیر پیشگیرانه و کیفری، مسایل مربوط به صلاحیت، ترویج و تحکیم همکاری بین‌المللی، تبادل اطلاعات و در نهایت، ساز و کارهای نظارت بر اجرای کنوانسیون.

لازم به ذکر است که طرح L.8 با وجود آن که ناظر بر منع شبیه‌سازی موآلد انسان بود، در بند هشت خود مقرر کرده بود که:

«از دولت‌هایی که تاکنون سایر اشکال شبیه‌سازی مغایر با شأن بشر را در سطح ملی ممنوع نکرده‌اند یا به حالت تعلیق درنیاورده‌اند، می‌خواهد که چنین تدابیری را اتخاذ کنند.»

در واقع، این طرح با آن که منع جزئی را محور خود قرار داده بود، به هیچ عنوان تجویزی برای سایر انواع شبیه‌سازی نبود. این امر به صراحت در بندهای c و b ۳ اعلام شده بود، به نحوی که نه تنها عدم تجویز سایر اشکال به صراحت اعلام شد، بلکه امکان منع سایر اشکال توسط دولت‌ها در سطوح ملی کاملاً آشکار و صریح در بند C مقرر شده بود.

این دو طرح با اصلاحاتی اندک در سال ۲۰۰۳ و در چهارچوب فعالیت‌های اجلاس پنجاه و هشتم مجمع عمومی، در قالب طرح‌های L.2 و L.8 دوباره مطرح شدند.

### ۳-۱- طرح پیشنهادی کاستاریکا

دولت کاستاریکا در هفدهم آوریل ۲۰۰۳ طرحی را ارائه کرد که هدف آن ممنوعیت کامل و دائمی انواع شبیه‌سازی انسان به موجب کنوانسیون بین‌المللی بود.<sup>۶۶</sup> از نکات قابل توجه این طرح این بود که شبیه‌سازی را جرم‌انگاری کرده بود. محورهای اساسی این طرح به شرح زیر می‌باشند.

۳-۱-۱- تعاریف: تعاریف اساسی پیش‌نویس کنوانسیون در مواد یک و دو قید شده‌اند. در حقیقت، ماده یک دربردارنده تعاریف عام و ماده دو معرف جرم شبیه‌سازی است. لازم به ذکر است که به موجب ماده ۱۶ هیچ‌گونه جانشینی به این مواد نمی‌توان وارد کرد.

تعاریفی که در ماده یک ذکر شده‌اند، شامل تعریف «انتقال هسته‌ای سلول پایه»، «سلول پایه»، «ارگانسیم هم‌گن ژنتیکی» و «قربانی» می‌باشد. در این ماده، عبارات مذکور به این نحو تعریف شده‌اند:

انتقال هسته‌ای سلول پایه: یعنی وارد کردن مواد هسته‌ای از یک سلول پایه به تخمک لقاح یافته یا لقاح نیافته که مواد هسته‌ای آن خارج شده‌اند یا فاقد اثر گردیده‌اند.

سلول پایه: یعنی سلولی که دارای کروموزوم‌های کاملی است.

ارگانسیم همگن ژنتیکی: یعنی ارگانسمی که دارای کروموزوم‌های کاملی است که با کروموزوم‌های ارگانسیم دیگری هم‌گن باشد.

قربانی: که هم شامل فردی است که تخمک یا مواد ژنتیکی او بدون اجازه وی برای ارتکاب جرم مندرج در ماده ۲ (بند یک) به کار می‌رود و هم موجود زنده حاصل از ارتکاب جرم مندرج در بند یک ماده دو.

دو نکته در این ماده حایز اهمیت هستند: یکی عدم تعریف «انسان»، و دیگری تعریف «قربانی».

طراحان پیش‌نویس کنوانسیون به عمد تعریفی از انسان ارائه نکرده‌اند.<sup>۶۷</sup> این امر برای پیشگیری از اختلاف نظرهایی است که ممکن است مانع به تصویب رسیدن کل معاهده گردند. چنین رویکردی را در چهارچوب اروپا نیز می‌توان مشاهده کرد. اشاره شد که پروتکلی در اروپا برای منع شبیه‌سازی انسان وجود دارد که در آن هیچ‌گونه تعریفی از «انسان» دیده نمی‌شود. در یکی از بندهای

گزارش تفسیری این پروتکل قید شده است که تعیین حدود عبارت «انسان» عهده دولت‌ها است.<sup>۶۸</sup> بنابراین هر دولت عضو پروتکل می‌بایست وفق تدابیر و سیاست‌های ملی خود، طی قانونی به تعریف عبارت «انسان» مورد نظر پروتکل مبادرت کند. به نظر می‌رسد که همین مسئله در کنوانسیون پیشنهادی کاستاریکا مدنظر بوده است.

مورد دیگر، تعریف قربانی است. به نظر می‌رسد که تعریف مزبور تعریف مطلوبی است، به خصوص این که شامل افرادی می‌شود که تخمک یا مواد ژنتیکی آن‌ها در ارتکاب جرم به کار گرفته شده‌اند. این امر به خاطر ضرورت صیانت از همه افراد است، اعم از زنانی که تخمک آن‌ها برای شبیه‌سازی استفاده می‌شود، افرادی که بدون اجازه آن‌ها مواد ژنتیکی سلول‌هایشان برای شبیه‌سازی فردی همانند آن‌ها به کار گرفته می‌شود، و در نهایت فرد حاصل، که چیزی نیست جز یک فرد انسانی با تمام حقوق و تکالیفی که برای انسان قابل تصور است.

ماده دو پیش‌نویس کنوانسیون که در مقام تعریف جرم شبیه‌سازی است، مباشرت (بند یک)، شروع به جرم (بند دو)، مشارکت (بند ۳، زیربند الف)، سازماندهی یا آمریت (بند ۳، زیربند ب) یا سهیم شدن و معاونت (بند ۳، زیربند ج) عمدی در امر شبیه‌سازی انسان را جرم دانسته است.

آنچه در این ماده حایز اهمیت است، این است که ارتکاب جرم به وجود «عمد» منوط شده است؛ روش‌های شبیه‌سازی انسان که در ماده قید شده‌اند تمثیلی بوده نه حصری؛ و نهایتاً این که جرم به صرف وقوع و صرف نظر از مرحله تکامل فیزیکی نطفه حاصل، واقع تلقی خواهد شد. این مسأله، یعنی عدم توجه به مرحله تکامل فیزیکی نطفه حاصل، ناشی از همان دیدگاه است مبنی بر اینکه به صرف لقاح یا تقسیم سلول تخمک به دو سلول، دیگر نمی‌توان آن را توده‌ای از سلول تلقی کرد، بلکه باید برای آن شأن و منزلتی بشری قایل بود. به نظر می‌رسد که این دیدگاه مبتنی بر دیدگاه‌های گروهی خاص است که پیشتر ذکر شد و

نمی‌توان آن را به عموم دولت‌ها نسبت داد، ضمن آن که برخی از کشورها نیز معتقدند ممنوعیت نباید شامل مراحل اولیه جنینی گردد.

۳-۱-۲- تعهد دولت‌ها به جرم‌انگاری، استقرار صلاحیت کیفری، مجازات یا استرداد مجرمان: کنوانسیون پیشنهادی، هم‌چون بسیاری از معاهدات دیگر، صرفاً اقدام به بیان تعهد دولت‌ها به جرم‌انگاری شبیه‌سازی انسان کرده است. به عبارت دیگر، ماده سه این کنوانسیون پیشنهادی که امکان تحدید تعهد نسبت به آن وجود ندارد، تنها دولت‌ها را متعهد و مکلف به جرم‌انگاری شبیه‌سازی انسان کرده است و تعیین مجازات را، مشروط به تناسب آن با شدت جرم مورد بحث، عهده خود دولت‌ها گذاشته است.

هم‌چنین در ماده چهار، دولت‌ها مکلف شده‌اند که علاوه بر مسؤولیت کیفری اشخاص حقیقی تدابیری برای مسؤول دانستن اشخاص حقوقی پیش‌بینی کنند، خواه این مسؤولیت کیفری، مدنی یا اداری باشد. هم‌چنین این ماده مقرر داشته است که اشخاصی که مسؤولیت آن‌ها احراز می‌گردد، باید شامل ضمانت‌های مناسب، مؤثر و بازدارنده کیفری، مدنی یا اداری گردند که ممکن است شامل جریمه مالی نیز باشد. البته در ماده شش، دولت‌ها متعهد می‌گردند که تدابیری برای شناسایی، ردیابی و سد کردن منابع مالی به کار گرفته شده در ارتکاب جرم شبیه‌سازی انسان و ضبط احتمالی آن اموال به عمل آورند. هم‌چنین، هرگونه عواید و منافع حاصل از ارتکاب این جرم را برای جبران زیان‌های وارد به قربانیان این جرایم به کار گیرند.

در مورد مسئله صلاحیت، پیش‌نویس کنوانسیون دو حالت را پیش‌بینی کرده است. در حالت اول دولت‌ها موظف هستند صلاحیت سرزمینی<sup>۶۹</sup> و صلاحیت شخصی فعال<sup>۷۰</sup> را به موضوع کنوانسیون تسری دهند. در حالت دوم، که در بند دوم ماده پنج قید شده است، دولت‌ها اختیار دارند صلاحیت حمایتی<sup>۷۱</sup> و شخصی



منفعل را نیز به جرم مزبور تسری دهند. در این مورد، کنوانسیون هم‌چنین اختیار دولت‌ها برای اعمال صلاحیت کیفری به اشخاص مرتکب جرم را که فاقد تابعیت هستند، ولی اقامتگاه آن‌ها در سرزمین دولت ذی‌ربط می‌باشد نیز شناخته است. به هر صورت دولت‌ها متعهد می‌شوند که نوع صلاحیت منتخب خود و تغییراتی را که به آن می‌دهند به دبیرکل سازمان ملل گزارش دهند. بند چهار ماده پنج نیز متضمن اصلی کلی است که «دولت‌ها یا باید مجازات کنند یا مسترد دارند».<sup>۷۲</sup> این اصل از اصول مقبول حقوق بین‌الملل در امور کیفری است. توضیح بیش‌تر این اصل در مواد هشت و نه کنوانسیون درج شده است.

به موجب ماده هشت، دولت‌ها موظف به پیگیری قضیه خواهند بود و هنگامی که مرتکب جرم در سرزمین آن‌ها یافت شد، باید بدون هرگونه استثناء و تأخیری، مسئله را پیگیری کند. هم‌چنین اگر دولت‌ها مجاز به استرداد اتباع خود یا تسلیم آن‌ها به کشوری دیگر برای مجازات یا محاکمه باشند، پیش‌نویس کنوانسیون پیش‌بینی کرده است که این امر به منزله «ایفاء تعهد به پیگیری قضیه» خواهد بود.

در مورد عنصر حقوقی استرداد نیز ماده نُه حالات مختلفی را مقرر کرده است: مواردی که دولت‌ها استرداد را منوط به وجود معاهده می‌دانند و مواردی که وجود معاهده‌ای را لازم نمی‌دانند.

حالت اول، خود دو فرض دارد: اول آن که معاهداتی میان دولت‌ها وجود دارد. در این حالت جرایم مندرج در آن معاهدات باید به جرم شبیه‌سازی نیز بسط داده شوند و شامل آن نیز بشوند. فرض دیگر آن است که معاهده‌ای میان دولت‌های ذی‌ربط وجود ندارد. در این حالت، کنوانسیون خود می‌تواند به‌عنوان معاهده استرداد تلقی شود.

حالت دوم، که دولت‌ها وجود معاهده استرداد را لازم نمی‌دانند، کنوانسیون مقرر داشته که دولت‌ها باید جرایم مندرج در ماده دو را به‌عنوان جرایم قابل استرداد تلقی کنند.

هنگامی که بیش از یک دولت بر قضیه‌ای اعمال صلاحیت کنند نیز، بر طبق بند پنج ماده پنج، متعهد خواهند بود که اعمال خود را، به ویژه در امور پیگرد و معاضدت قضایی متقابل، با یکدیگر هماهنگ کنند.

تعهد دیگر دولت‌ها، تعهد به پیگیری و تحقیق فوری درباره ادعاهای مربوط به ارتکاب جرم شبیه‌سازی است. این تعهد که در ماده هفت کنوانسیون پیشنهادی مقرر شده است، دولت‌ها را موظف می‌داند که به محض کسب اطلاع از حضور متهمان به جرم شبیه‌سازی در سرزمین خود یا احتمال آن، طبق قوانین ملی خود تحقیقاتی را به عمل آورند و در صورتی که شرایط اقتضا کند، تدابیری را جهت حفظ متهم به منظور پیگرد یا استرداد وی به عمل آورند. در عین حال، چنین متهمانی از حقوقی برخوردار خواهند بود: حق تماس با نماینده دولت خود یا دولتی که حافظ منافع دولت او است، حق ملاقات با نماینده مذکور، و اطلاع داشتن از این حقوق. البته این موارد، همان‌گونه که در ماده ۱۱ کنوانسیون نیز ذکر شده‌اند، علاوه بر تمام حقوق و تضمین‌هایی است که چنین افرادی بر اساس قوانین ملی کشور ذی‌ربط و قواعد مرتبط حقوق بین‌الملل و حقوق بشر از آن‌ها برخوردار خواهند بود.

**۳-۱-۳- تعهد دولت‌ها به پیگیری از جرم شبیه‌سازی:** به موجب ماده ۱۲ کنوانسیون پیشنهادی، دولت‌ها متعهد به همکاری با یکدیگر جهت پیگیری از جرم شبیه‌سازی می‌گردند. این همکاری دو بُعد دارد: داخلی و بین‌المللی. در بُعد داخلی، دولت‌ها موظف خواهند شد که با اتخاذ همه تدابیر لازم، از جمله تغییر قوانین ملی خود، مانع تحقق جرم در سرزمین خود یا خارج از آن

شوند. این تدابیر شامل موارد زیر می‌گردند، که البته باید خاطر نشان ساخت موارد مذکور تمثیلی هستند نه حصری:

- تدابیری جهت منع فعالیت غیر قانونی افراد و سازمان‌ها جهت ارتکاب جرم مندرج در ماده ۲؛
  - تدابیری که تمام تحقیقات ژنتیکی مربوط به انسان را تحت مجوز و نظارت مقامات ذیصلاح یا یک رکن ملی چندرشته‌ای درآورد؛
  - اتخاذ تدابیری جهت ثبت و تأیید و تجویز فعالیت مراکز و تأسیسات و فعالیت‌های تحقیقاتی که از فن‌آوری ژنتیکی استفاده می‌کنند، توسط مقامات علمی یا بهداشتی ذیصلاح، یا توسط یک رکن ملی چند رشته‌ای.
- در این مورد، باید خاطر نشان ساخت که تأسیس یک رکن یا نهاد ملی در پیوند با مسائل اخلاق زیستی از اهمیت بسیاری برخوردار است. چنین فعالیت‌هایی بنا به ماهیت خود مستلزم نظارت دقیق و مستمر نهادهای مستقل و بی‌طرف علمی و ذیصلاح هستند. وجود سودهای کلان در چنین فعالیت‌هایی، تخصصی و بین رشته‌ای بودن این فعالیت‌ها، ضرورت سهل و سریع بودن مسائل اداری مربوط به این فعالیت‌ها و ملاحظاتی از این دست همگی مستلزم ایجاد یک نهاد ملی اخلاق زیستی مرکب از دانشمندان، حقوق‌دانان، روحانیون، علمای علم اخلاق و متخصصان رشته‌های مرتبط است.
- بند دوم ماده ۱۲ ناظر بر ابعاد بین‌المللی همکاری جهت پیشگیری است. این بند تبادل اطلاعات دقیق و تأیید شده میان کشورها را، براساس قوانین داخلی آن‌ها و هماهنگی اعمال آن‌ها جهت پیشگیری از جرم شبیه‌سازی انسان با اتخاذ تدابیر زیر ضروری دانسته است:
- ایجاد و برقراری مجاری ارتباطی میان نهادها و ارگان‌های ذیصلاح خود جهت تسهیل و تسریع تبادل اطلاعات با یکدیگر؛

• همکاری با یکدیگر در انجام تحقیقات، به ویژه در مورد هویت، مکان و فعالیت اشخاصی که ظن قوی مبنی بر مجرمیت آنها وجود دارد، و جابه‌جایی اموال و منابع مالی مربوط به ارتکاب چنین جرایمی. هم‌چنین پیش‌بینی شده است که دولت‌ها می‌توانند از طریق پلیس بین‌الملل (اینترپول) به تبادل اطلاعات بپردازند.

۳-۱-۴- معاضدت و همکاری قضایی: ماده ۱۰ کنوانسیون پیشنهادی مقرر داشته است که دولت‌ها نهایت همکاری و معاضدت را در مورد تحقیقات کیفری یا آیین‌های کیفری و استرداد مرتبط با جرایم مندرج در ماده ۲ به عمل خواهند آورد. این همکاری و معاضدت شامل کمک به کسب ادله مثبت جرم، عدم افشاء اطلاعات ارائه شده توسط یک دولت به دولت دیگر بدون رضایت دولت اول، و نیز ترجیحاً ایجاد ساز و کارهایی جهت تبادل اطلاعات یا ادله لازم جهت احراز مسؤولیت کیفری، مدنی یا اداری اشخاص حقوقی است. این معاضدت و همکاری باید در چهارچوب معاهدات بین دولت‌ها، و در صورت فقدان چنین معاهداتی، در چهارچوب قوانین ملی آنها صورت گیرد.

۳-۱-۵- سایر مقررات: کنوانسیون پیشنهادی دارای مقررات دیگری نیز می‌باشد که مهم‌ترین آنها عبارتند از: مواد ۱۳ (قید تأمین)، ۱۴ (حل و فصل اختلافات) و ۱۸ (خروج).

براساس ماده ۱۳، دولت‌ها مختار خواهند بود که حمایت بیش‌تری نسبت به مقررات کنوانسیون، از افراد در برابر فن‌آوری زیستی و پزشکی به عمل آورند. ماده ۱۴ نیز مقرر داشته است که هر اختلاف میان دو یا چند طرف معاهده درباره تفسیر یا اجرای آن اگر طی مذاکره فیصله نیافت به داوری ارجاع خواهد شد. چنان‌چه ظرف شش‌ماه از درخواست داوری، طرفین درباره سازمان داوری (ترکیب، ساختار، صلاحیت و غیر آن) به توافق نرسیدند، هریک از طرفین

می‌تواند قضیه را به دیوان بین‌المللی دادگستری مطابق با اساسنامه آن دیوان ارجاع دهد. البته هر دولتی می‌تواند نسبت به این مقرره جانشین وارد کند. ماده ۱۸ نیز مقرر داشته است که هر دولتی می‌تواند طی اعلامیه‌ای کتبی به دبیرکل سازمان ملل، از کنوانسیون مزبور خارج شود. خروج، یک سال پس از دریافت اعلام کتبی دولت توسط دبیرکل میسر خواهد شد.

۳-۲- **تحولات بعدی:** در سال ۲۰۰۳ و در پرتو انتشار گزارش‌های تأیید نشده‌ای از وقوع شبیه‌سازی انسان، و با توجه به پیشرفت اندکی که در این خصوص در مجمع صورت گرفته بود، دولت‌ها تأکید داشتند که کار تهیه کنوانسیون بین‌المللی مانع شبیه‌سازی انسان سریع‌تر پیش رود. ولی اختلافات مبتنی بر اختلاف دیدگاه‌های اخلاقی، مذهبی، فلسفی بین دولت‌ها همچنان باقی بود و به تدریج مشخص می‌شد حصول وفاق عام درباره مفاد کنوانسیون غیر ممکن است و رویکرد واحدی بین دولت‌ها وجود ندارد.<sup>۷۳</sup>

به همین دلیل و با آن که دو گروه از دولت‌ها همچنان بر مواضع خود اصرار داشتند<sup>۷۴</sup>، دولت ایتالیا در سال ۲۰۰۴ ابتکاری به خرج داد که جهت‌گیری فعالیت‌ها را تغییر داد. این دولت طرحی را ارائه کرد<sup>۷۵</sup> که محتوای آن مخرج مشترک دیدگاه‌ها و مواضع موجود و شکل آن نه یک کنوانسیون بین‌المللی، بلکه اعلامیه مجمع عمومی بود. این رویکرد، به ویژه از نظر شکل و قالب، مورد پذیرش دولت‌ها قرار گرفت و در گزارش سال ۲۰۰۴ کمیته ششم مجمع انعکاس یافت.<sup>۷۶</sup> قسمت اجرایی اعلامیه پیشنهادی ایتالیا مقرر می‌داشت:

«الف) از دولت‌های عضو دعوت می‌شود هر تلاشی برای ایجاد حیات انسانی از طریق فرآیندهای شبیه‌سازی و هر تحقیقی بدین منظور را ممنوع کنند؛

ب) از دولت‌های عضو دعوت می‌شود تا اطمینان حاصل کنند که در اعمال علوم زیستی، شأن بشر در همه‌حال محترم شمرده شود و به خصوص این که زنان استثمار نشوند؛

پ) هم‌چنین از دولت‌های عضو دعوت می‌شود قوانین ملی برای اثر بخشیدن به بندهای الف و ب فوق را تصویب و اجرا کنند؛

ت) علاوه بر این از دولت‌های عضو دعوت می‌شود تدابیر لازم را برای ممنوعیت کاربرد فنون مهندسی ژنتیک که ممکن است با شأن بشر مغایر باشند به‌عمل آورند.»

این طرح مبنای اجلاس بعدی شد. در اجلاس سال ۲۰۰۵، رییس گروه کاری<sup>۷۷</sup> کمیته ششم طرحی را بر اساس طرح ایتالیا ارائه کرد که در آن همه انواع شبیه‌سازی ممنوع اعلام شده بود.<sup>۷۸</sup> این طرح به دلیل مخالفت عده زیادی از دولت‌ها توسط رییس گروه کاری پس گرفته شد ولی سپس توسط هندوراس دوباره ارائه شد. این طرح همراه طرح ایتالیا<sup>۷۹</sup> و اصلاحات پیشنهادی بلژیک<sup>۸۰</sup> به طرح ایتالیا مبنای کار مجمع قرار گرفتند.

مهم‌ترین نکته در اصلاحات بلژیک رفع ابهام از بند الف قسمت اجرایی طرح ایتالیا بود. در طرح ایتالیا عبارت "حیات انسانی" به کار رفته بود که بنا بر رویکرد هر دولتی می‌توانست شامل هر یک از انواع شبیه‌سازی شود. نتیجه آن که ممکن بود دولتی بر اساس این عبارت پردازی آن را تنها شامل شبیه‌سازی مولد بداند و زمان آغاز حیات انسان را در دوران جنینی نفی کند و در نتیجه شبیه‌سازی تحقیقی - درمانی را جایز بداند. دولتی دیگر نیز ممکن بود زمان لقاح را مبنای آغاز حیات انسان تلقی کند و بر اساس این عبارت پردازی هر نوع شبیه‌سازی را ممنوع بداند. اصلاحیه بلژیک به صراحت هر دو نوع شبیه‌سازی را ممنوع می‌کرد.

## ۳-۳- تصویب اعلامیه ملل متحد درباره شبیه‌سازی انسان:

در نهایت در اجلاس سال ۲۰۰۵ مجمع عمومی سازمان ملل، قطعنامه‌ای به دلیل عدم حصول توافق عام درباره محتوای آن با رأی‌گیری و با اکثریت ۸۴ رأی موافق در برابر ۳۴ رأی مخالف و ۳۷ رأی ممتنع به تصویب رسید.<sup>۸۱</sup>

در مقدمه این اعلامیه نیز همانند طرح‌هایی که ارائه شده بود، بر اهمیت توجه به جوانب اخلاقی علوم زیستی و خطراتی که این علوم برای شأن بشر، حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین افراد مطرح می‌کنند، تأکید شده است. هم‌چنین، هماهنگ با اصول اخلاق زیستی، بر اشتغال اصلی علوم زیستی که کاهش درد و رنج و بهبود سلامت افراد و بشریت در کل است، و تضمین و حمایت حقوق بشر و منافع همگان در ترویج پیشرفت علمی و فنی در علوم زیستی تأکید شده است. از جمله مواردی که به طور خاص در مقدمه این اعلامیه مورد توجه قرار گرفته، ضرورت پیشگیری از استثمار زنان است. بندهای اجرایی این اعلامیه مقرر می‌دارند:

- الف) از دولت‌های عضو دعوت می‌شود تمام تدابیر لازم برای حمایت کافی از حیات انسانی در اعمال علوم زیستی را به عمل آورند؛
- ب) از دولت‌های عضو دعوت می‌شود همه اشکال شبیه‌سازی را از آن‌جا<sup>۸۲</sup> که با شأن بشر و حمایت از حیات انسانی مغایرت دارد ممنوع کنند؛
- پ) هم‌چنین از دولت‌های عضو دعوت می‌شود تدابیر لازم را برای منع کاربرد فنون مهندسی پزشکی که ممکن است با شأن بشر مغایر باشند به عمل آورند؛
- ت) از دولت‌های عضو دعوت می‌شود تدابیری را برای پیشگیری از استثمار زنان در کاربرد علوم زیستی به عمل آورند؛
- ث) هم‌چنین از دولت‌های عضو دعوت می‌شود بدون تأخیر قوانین ملی برای اثر بخشیدن به بندهای (الف) تا (ت) را وضع و اجرا کنند؛

ج) علاوه بر این از دولت‌های عضو دعوت می‌شود در تأمین مالی تحقیقات پزشکی، از جمله علوم زیستی، مسائل جهانی برجسته‌ای همچون اچ.آی.وی/ایدز، سل و مالاریا، که به خصوص کشورهای در حال توسعه را متأثر می‌سازند را مد نظر قرار دهند.

با آن‌که تلاش بسیاری صورت گرفت تا اعلامیه‌ای تنظیم شود که محتوای آن حصول وفاق عام را در مجمع عمومی ممکن و میسر کند، در نهایت اعلامیه‌ای تهیه شد که عده زیادی از دولت‌ها به صراحت با آن مخالفت کردند. این به دلیل تفاوت نگرش دولت‌ها به مسئله شبیه‌سازی انسان و تشتت تفاسیر و برداشت‌های آن‌ها از ارزش‌هایی است که با شبیه‌سازی انسان ارتباط تنگاتنگ دارند.<sup>۸۳</sup> بنا بر اظهارات نماینده مکزیکی:

طی این فرآیند، همه نمایندگان بدون استثناء در همه‌حال دغدغه بنیادین تضمین احترام به شأن بشر در کاربرد علوم را در نظر داشتند. مباحثاتی که پیش از تصویب قطعنامه مهم امروز مطرح شدند به وضوح نشان دادند که در این مقطع تاریخی تنها راه ممکن برای حصول این امر اتخاذ تدابیر توسط خود دولت‌ها مطابق با آیین‌های دموکراتیک است که همواره آن هدف جهانی را مدنظر قرار دهند... درج مفاهیم شأن بشر و حفاظت از حیات انسانی در اعلامیه، پیش‌داوری درباره تعریف آن‌ها نیست، بلکه به قوای مقننه ملی اجازه می‌دهد آن‌ها را بر اساس معیارهای فرهنگی، فلسفی و مذهبی حاکم در هر جامعه و ضرورت احترام به حقوق بشر شناخته شده توسط جامعه بین‌المللی تعریف کنند.<sup>۸۴</sup>

دولت‌های دیگری نیز بر عدم امکان حصول وفاق عام درباره این مسئله ابراز ناخرسندی کردند و بر این امر تأکید داشتند که دیدگاه‌ها درباره جوانب اخلاقی این فن بسیار متفاوت است. این دولت‌ها به اعلامیه رأی منفی دادند و اعلام داشتند که آن را اعلامیه‌ای سیاسی و غیر الزام‌آور می‌دانند که تنها مبین دیدگاه‌های



گروهی از دولت‌ها است<sup>۸۵</sup> و می‌خواهد ارزش‌ها و باورهای واحدی را بر جامعه بین‌المللی تحمیل کند<sup>۸۶</sup>. نتیجه آن که بسیاری از دولت‌ها همچنان این اعلامیه را فاقد ارزش حقوقی یا هنجاری می‌دانند و عقیده دارند که می‌توانند هر رویکردی را در نظام‌های ملی خود اتخاذ کنند. این واقعیت نشانگر تفاوت عمیق دیدگاه‌های دولت‌ها درباره مفهوم و محتوای شأن بشر، حقوق و آزادی‌های بشر و ابعاد اخلاقی شبیه‌سازی انسان است.

## نتیجه

پدیده شبیه‌سازی انسان بار دیگر تشّت و تفاوت دیدگاه‌ها و ارزش‌های جامعه بین‌المللی را به خوبی نشان داده است. با آن‌که نظام بین‌المللی حقوق بشر امروزه معیاری برای سنجش و تمیز اعمال مغایر با شأن بشر و ناقض حقوق و آزادی‌های او است، دولت‌ها به‌هنگام مواجهه با پدیده‌ای علمی که کاملاً با این نظام مرتبط است، هر یک به فراخور رویکرد و گرایش اخلاقی و فلسفی و ارزش‌های حاکم بر اجتماع خود، تلاش کرده‌اند تفسیری از عناصر نظام بین‌المللی حقوق بشر ارائه دهند تا رویکردی را در مورد شبیه‌سازی انسان به تصویب رسانند که بیش‌ترین سازگاری را با ارزش‌های جامعه داخلی خودشان داشته باشد.

بدیهی است چنین رویکردی به نتایج متفاوتی منتهی شده است. در سطح اروپا که همبستگی و تقارن ارزشی بیش‌تر است، دولت‌ها موفق شده‌اند سندی الزام‌آور تهیه کنند و به تصویب برسانند. در حالی که در سطح جهانی نه تنها هنوز سند الزام‌آوری درباره شبیه‌سازی انسان که برای دولت‌ها تکلیف حقوقی به همراه داشته باشد تنظیم نشده است، بلکه رویکردهایی که اتخاذ شده‌اند و دلایل مربوط به آن‌ها نیز متفاوت هستند.

به‌طور خاص در چهارچوب سازمان ملل متحد، پس از مدت‌ها بحث و بررسی درباره شبیه‌سازی، اعلامیه‌ای تصویب شده است که به‌هیچ‌وجه الزام‌آور نیست و نمی‌توان آن را بیان‌گر ارزش‌های جامعه بین‌المللی دانست. نتیجه آن‌که با وجود اعلامیه مجمع عمومی ملل متحد درباره شبیه‌سازی انسان، در آینده نیز دولت‌ها به میل خود و بنا بر قواعد داخلی خود عمل خواهند کرد؛ زیرا با توجه به حساسیت مسئله و پافشاری دولت‌ها بر ارزش‌های خود، دست‌یابی به سندی الزام‌آور در سطح جهانی درباره شبیه‌سازی انسان امری بسیار بعید و دور از ذهن می‌نماید.

## پی‌نوشت‌ها

1. Resolution on Cloning, European Parliament, 1997 O.J. (C 115) 14.4/92 (March 12, 1997).
۲. برای ملاحظه برخی از این اسناد، به فهرست مندرج در سند اطلاعاتی تهیه شده توسط دبیرخانه سازمان ملل متحد برای کمیته ویژه کنوانسیون بین‌المللی علیه شبیه‌سازی مولد انسان‌ها مراجعه کنید:  
A/AC.2b3/2002/INF/1/Rev.1
3. United Nations General Assembly Resolution 53/152 on the Human Genome and Human Rights, 9 December 1998.
4. World Health Organization, Resolution WHA 50.37 on Cloning in Human Reproduction, 14 May 1997, para.1; Resolution WHA 51.10 on Ethical, Scientific and Social Implications of Cloning in Human Health, 16 May 1998, Para.1.
5. Human dignity and morality
6. Human dignity and integrity
7. WHA 51.10, para.2.
۸. در این باره رجوع شود به: موثق، هومن؛ بررسی اصول حقوق بین‌الملل حاکم بر روابط دوستانه و همکاری میان دولت‌ها وفق منشور ملل متحد؛ رساله کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی؛ ۱۳۷۹.
9. consensus
10. Malintoppi, A., *Le raccomandazioni internazionali*, 1958; Virally, M., *L'organisation Mondiale*, 1972.
۱۱. دیدگاه گروه اول از آنجا که بدون توجه به مقررات سند اساسی سازمان‌های بین‌المللی مطرح گردیده و به صورت انتزاعی معتقد به الزام‌آور بودن مصوبات است، چندان قابل تصور نیست. دیدگاه دوم نیز که به فقدان هرگونه اهمیت حقوقی مصوبات معتقد است، با توجه به مطالعاتی که صورت گرفته است چندان مقبول نیست. (ر. ک):
- Final Report of the Committee on Formation of Customary (General) International Law, London Conference, International Law Association, 2000).
12. Co-ordination of the Wills of States.
۱۳. ر.ک. به مقدمه‌های اعلامیه جهانی یونسکو در مورد ژنوم انسان (۱۹۹۷)، قطعنامه ۵۳/۱۵۲ مجمع سازمان بهداشت جهانی WHA51.10 عمومی ملل متحد راجع به ژنوم انسانی (۱۹۹۸)، قطعنامه راجع به شبیه‌سازی انسان (۱۹۹۸)، همچنین به اسناد زیر (در چارچوب اروپا) رجوع شود:  
Resolution on Cloning, European Parliament, 1997 O.J. (C 115) 14.4/92 (Mar. 12, 1997), and Ibidem, 1998 O.J. (c 34) 164 (Jan. 15, 1998); European Council Declaration on Banning the Cloning of Human Beings (1997), Bulletin of the European Union (22 June 1997); Council of Europe, Parliamentary Opinion No. 202 (1997) on the Draft Additional Protocol to the Convention on Human Rights and Biomedicine on the

Prohibition of Cloning Human Beings (Sept. 23, 1997) and the said Protocol itself, ETS No. 168, 12 June 1998.

۱۴. همان منابع.

۱۵. ر.ک. به قطعنامه سازمان بهداشت جهانی:

WHO Resolution WHA 51.10 (1998), Second Preambular Paragraph.

۱۶. ر.ک. به قطعنامه‌های پارلمان اروپایی پیش گفته.

۱۷. در این مورد به ویژه رجوع شود به:

– فلسفی، هدایت‌الله؛ «حق، صلح و منزلت انسانی؛ تأملاتی در مفاهیم قاعده حقوقی، ارزش اخلاقی و بشریت»؛ مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران؛ شماره بیست و ششم و بیست و هفتم، ۸۱-۱۳۸۰. برای مطالعه بیشتر درباره تأثیر اخلاق و فلسفه بر حقوق بشر (و ممنوعیت شبیه‌سازی مولد انسان) و حقوق بین‌الملل، به منابع مذکور در فصل قبل و به طور خاص به موارد زیر رجوع شود: هابرماس، یورگن؛ جهانی شدن و آینده‌ی دموکراسی؛ منظومه پساملی؛ ترجمه کمال پولادی؛ نشر مرکز، ۱۳۸۰. قربان‌نیا، ناصر؛ اخلاق و حقوق بین‌الملل؛ پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)؛ ۱۳۷۸.

Tomuschat, Christian, "Ethos, Ethics and Morality in International Relations", Encyclopedia of Public International Law, Vol. 9.

18. Convention for the Protection of Human Rights and Dignity of the Human Being with regard to the Application of Biology and Medicine: Convention on Human Rights and Biomedicine, ETS No.: 164; 4 April 1997 (Oviedo Convention).

۱۹. پروتکل مزبور در تاریخ اول مارس ۲۰۰۱ لازم‌الاجرا شد.

۲۰. علاقمندان جهت اطلاع از متن این کنوانسیون می‌توانند به آدرس اینترنتی زیر مراجعه کنند: (شماره

کنوانسیون ۱۶۴ است) <http://Conventions.coe.int/Treaty>

21. Bert Thompson, Brad Harrub, "Human Cloning and Stem-Cell Research-Science's Slippery Slope", Apologetics Press, August 2001, [www.apologeticspress.org/rr/rr2001/r&rolo&a.htm](http://www.apologeticspress.org/rr/rr2001/r&rolo&a.htm)

22. U.K. Bans Human [Reproductive] Cloning; [www.grg.org/ukcloning.htm](http://www.grg.org/ukcloning.htm)  
 ۲۳. برای آگاهی از مواضع آمریکا در سازمان ملل متحد، ر.ک: [www.un.int/usa/cloning.htm](http://www.un.int/usa/cloning.htm)

24. Declaration on the Production and the Scientific and Therapeutic use of Human Embryonic Stem Cells, at: [www.Vatican.va/roman-Curia/Pontifical-academies/acdlife/documents](http://www.Vatican.va/roman-Curia/Pontifical-academies/acdlife/documents); Observations on the Universal Declaration on the Human Genome and Human Rights at: [www.Vatican.va/roman-curia/secretariat-State/documents](http://www.Vatican.va/roman-curia/secretariat-State/documents); Considerations of the Holy See on human cloning (in view of the debate at the General Assembly of the United Nations on an international convention against the reproductive cloning of human beings), A/C.6/59/INF/1, 7 October 2004.

25. Ten Reasons to Support the Brownback-Landrieu Cloning Ban (S.1899), at: [www.Cloninginformation.org/info/talking-Point.htm](http://www.Cloninginformation.org/info/talking-Point.htm).

26. Resolution of Bioethics, adopted by the 32nd OAU Summit, July 1996, Yaounde, AHG/Res. 254(XXXII).
27. European Union
28. European Parliament
29. Resolution on the Cloning of Human Embryos, 28 October 1993, Official Journal C 315, p. 224; Resolution on the Protection of Human Rights and Dignity with regard to the Application of Biology and Medicine, Official Journal C320, 28/10/1996, p. 268; Resolution on Cloning, Official Journal C115, 12 March 1997, 14.4/92; Resolution on Cloning, Official Journal C34, 15 January 1998, p. 164; European Parliament Resolution on Human Cloning, 7/9/2000.
30. European Commission
31. European Council
32. Opinion of the Group of Advisers on the Ethical Implications of Biotechnology to the European Commission, Ethical Aspects of Cloning Techniques, No. 9, 28 May 1997, Rapporteur: Dr. Anne McLaren; European Council Declaration on Banning the Cloning of Human Beings, June 1997.
33. Preimplantation diagnosis
34. Eugenic
35. Resolution on Cloning, Official Journal C115, 12 March 1997, 14.4/92, para. B
36. Ibidem, paras. H, 1, 2 and 3
37. Ibidem, para. 11
38. Ibidem, para. 1
39. Resolution on Cloning, Official Journal C34, 15 January 1998, p. 164; European Parliament Resolution on Human Cloning, 7/9/2000
40. European Parliament Resolution on Human Cloning, 7/9/2000, para. 2  
این قطعنامه در واکنش به اراده دولت انگلستان برای حمایت از شبیه‌سازی تحقیقی - درمانی تصویب شد.
41. Opinion of the Group of Advisers on the Ethical Implications of Biotechnology to the European Commission, Ethical Aspects of Cloning Techniques, No. 9, 28 May 1997, Rapporteur: Dr. Anne McLaren
42. European Council Declaration on Banning the Cloning of Human Beings, June 1997.
43. Council of Europe
44. Council of Europe, Parliamentary Assembly, Recommendation 1046 on the Use of Human Embryos and Foetuses for Diagnostic, Therapeutic, Scientific, Industrial and Commercial Purposes, 24 September 1986.
45. Council of Europe, Ad Hoc Committee of Experts on Bioethics, Report on Human Artificial Procreation, 1989
46. Council of Europe, Parliamentary Assembly, Recommendation 1100 on the Use of Human Embryos and Foetuses in Scientific Research, 2 February 1989
47. Council of Europe, Committee of Ministers, Recommendation No. R (90) 3 Concerning Medical Research on Human Beings, 6 February 1990

48. Council of Europe, Parliamentary Assembly, Opinion No. 202 on the Draft Additional Protocol to the Convention on Human Rights and Biomedicine on the Prohibition of Cloning Human Beings, 23 September 1997
49. Council of Europe, Parliamentary Assembly, Order No. 534 on Research and the Cloning of Human Beings, 23 September 1997
50. Declaration contained in a Note Verbale from the Permanent Representation of the Netherlands, dated 29 April 1998, handed to the Secretary General at the time of signature on 4 May 1998.
51. See for example: Council of Europe, Parliamentary Assembly, Recommendation 1046 on the Use of Human Embryos and Foetuses for Diagnostic, Therapeutic, Scientific, Industrial and Commercial Purposes, 24 September 1986, paras. 10 and 15; Council of Europe, Parliamentary Assembly, Recommendation 1100 on the Use of Human Embryos and Foetuses in Scientific Research, 2 February 1989, paras. 1, 3, 9 (B,i); Council of Europe, Committee of Ministers, Recommendation No. R (90) 3 Concerning Medical Research on Human Beings, 6 February 1990, preamble and Principle 2; Council of Europe, Parliamentary Assembly, Opinion No. 202 on the Draft Additional Protocol to the Convention on Human Rights and Biomedicine on the Prohibition of Cloning Human Beings, 23 September 1997, para. 3; Oviedo Convention, preamble and articles 1 and 2.
- 52 . Opinion of the Group of Advisers on the Ethical Implications of Biotechnology to the European Commission, Ethical Aspects of Cloning Techniques, No. 9, 28 May 1997, Rapporteur: Dr. Anne McLaren, para. 1.16
53. World Health Organization, Resolution WHA 50.37 on Cloning in Human Reproduction, 14 May 1997
54. World Health Organization, Resolution WHA 51.10 on Ethical, Scientific and Social Implications of Cloning in Human Health, 16 May 1998
55. Universal Declaration on the Human Genome and Human Rights, 11 November 1997.
56. International Declaration on Human Genetic Data, 16 October 2003
57. Universal Declaration on Bioethics and Human Rights, 19 October 2005
۵۸. این امر در ماده ۳ اعلامیه بین المللی درباره اطلاعات ژنتیکی انسانی و بندهای اول و شانزدهم مقدمه اعلامیه جهانی درباره اخلاق زیستی و حقوق بشر شناسایی شده است.
۵۹. این دو اعلامیه مقررهای درباره شبیه‌سازی به طور خاص ندارند.
60. A/56/192, (2001).
61. U.N.G.A. Res. 56/ 93 (A/Res/ 56/ 93), 28 Jan. 2002
62. cf. Report of the ad hoc Committee (A/57/51) and Report of the Working Group (A/C.6/57/L.4).
63. A/57/51, Para. 11.

64. C.6/57/L.8 (Proposed by: Belarus, Belgium, Brazil, Canada, China, Cuba, Czech Republic, Denmark, Finland, France, Germany, Greece, Hungary, Iceland, Japan, Latvia, Liechtenstein, Lithuania, Luxembourg, Norway, Slovenia and Switzerland; A/C.6/57/L.8/ Corr.1).
65. A/C.6/57/L.3/Rev. 1 (sponsors: Antigua and Barbuda, Argentina, Costa Rica, Dominica, Dominican Republic, El Salvador, Eritrea, Ethiopia, Fiji, Georgia, Grenada, Honduras, Italy, Kazakhstan, Kenya, Kyrgyzstan, Lesotho, Marshall Islands, Micronesia, Nicaragua, Nigeria, Panama, Paraguay, Philippines, Saint Kitts and Nevis, Saint Lucia, Saint Vincent and the Grenadines, Spain, Suriname, Tajikistan, Timor-Leste, Tonga, Turkmenistan, Tuvalu, United States of America, Uzbekistan and Vanuatu; A/L. 6/57/L.3/Rev. 1/corr. 1)
66. Letter dated 2 April 2003 from the Permanent Representative of Costa Rica to the United Nations addressed to the Secretary General and its annex entitled "Draft international convention on the prohibition of all forms of human cloning", A/58/73, 17 April 2003
67. See: Annex II to the Letter Dated 2 April 2003 From the Permanent Representative of Costa Rica to the United Nations Addressed to the Secretary General, Commentary to the Draft International Convention on the Prohibition of all Forms of Human Cloning. (Introduction) A/58/73
68. Explanatory Report of the Additional Protocol to the Convention for the Protection of Human Rights and Dignity of the Human Being with Regard to the Application of Biology and Medicine, on the Prohibition of Cloning of Human Beings, 12 January 1998, European Treaty Series no.168, para. 6.
۶۹. اعم از این که جرم در سرزمین دولت واقع گردد یا در کشتی‌ها یا هواپیماهای آن.
۷۰. یعنی جرم توسط تبعه کشور مورد نظر واقع گردد.
71. Protective Jurisdiction.  
در این حالت، هنگامی که منافع یک دولت به خطر می‌افتد می‌تواند صلاحیت خود را نسبت به جرم اعمال کند. کنوانسیون حالتی را پیش‌بینی کرده است که در آن جرم علیه سرزمین یک دولت یا تبعه آن واقع گردد یا به ارتکاب جرمی علیه سرزمین آن یا تبعه آن منتهی و منتج گردد. ر.ک. به زیربند الف بند ۲ ماده پنج کنوانسیون پیشنهادی و ماده ۵ قانون مجازات اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۷۵.
72. Aut dedere aut Judicare.
73. See: International convention against the reproductive cloning of human beings: Report of the Working Group, A/C.6/58/L.9, 3 October 2003
74. A/C.6/59/L.2 and A/C.6/59/L.8
75. A/C.6/59/L.26, 19 November 2004
76. A/59/516, 19 November 2004
77. Mr. Mohamed Bennouna (Morocco)
78. A/C.6/59/L.27/Rev.1, Annex I
79. A/C.6/59/L.27/Rev.1, Annex II
80. A/C.6/59/L.27/Rev.1, Annexes III and IV

## 81. United Nations Declaration on Human Cloning, A/RES/59/280, 23 March 2005

البته مجمع عمومی قطعنامه‌ای را در ۹ دسامبر ۱۹۹۸ نیز به تصویب رسانده بود ولی در آن به تایید اعلامیه جهانی یونسکو درباره ژنوم انسانی مبادرت کرده بود و به‌طور خاص به شبیه‌سازی نیز پرداخته بود. ر.ک.:

## United Nations General Assembly Resolution 53/152 on the human genome and human rights, 9 December 1998.

۸۲. متن انگلیسی قطعنامه از عبارت *in as much as* استفاده کرده است. این عبارت به دو معنا است. یک معنای آن "چون" و "از آن‌جا" است که در ترجمه حاضر استفاده شده است. این انتخاب به دلیل توضیحات نمایندگان دولت‌ها پس از رأی‌گیری صورت گرفته است. ولی معنای دیگر این عبارت، "تا آن‌جا" است. بدیهی است که اگر این عبارت مدنظر قرار گیرد، در عمل هر دولت می‌تواند با توجه به رویکرد فلسفی، فرهنگی و مذهبی خود، حدی را که شبیه‌سازی انسان با شأن بشر مغایرت دارد خود تعیین کند. از عبارات مبهم دیگری که در این اعلامیه به کار رفته است و موجب اعتراض و مخالفت برخی دولت‌ها شد، استفاده از عبارت "حیات انسانی" به جای فرد انسان است. ر.ک.: A/59/PV.82, 8 March 2005

۸۳. جالب توجه است که این اعلامیه در کمیته ششم اکثریت کمتری را جلب کرده بود، به نحوی که در آن کمیته ۷۱ رأی موافق، ۳۵ مخالف و ۴۳ ممتنع ثبت شده بود. ر. ک.:

A/59/PV.82, 8 March 2005

84. A/59/PV.82, 8 March 2005, pp 3-4.

85. A/59/PV.82, 8 March 2005; see the views expressed by the representatives of China, India and the UK.

86. Views expressed by the representative of Singapore, A/59/PV.82.

## فهرست منابع

## کتاب‌ها و مقالات

- کلیبار، کلود آلبر؛ (۱۳۶۸)، نهادهای روابط بین‌المللی؛ ترجمه دکتر هدایت‌الله فلسفی؛ تهران، نشر نو.
- فلسفی، هدایت‌الله؛ (۱۳۸۰-۱۳۸۱) حق، صلح و منزلت انسانی؛ تأملاتی در مفاهیم قاعده حقوقی، ارزش اخلاقی و بشریت؛ مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران؛ شماره بیست و ششم و بیست و هفتم.
- هابرماس، یورگن؛ (۱۳۸۰)، جهانی شدن و آینده دموکراسی؛ منظومه پساملی؛ ترجمه کمال پولادی؛ نشر مرکز.
- قربان‌نیا، ناصر؛ (۱۳۷۸)، اخلاق و حقوق بین‌الملل؛ پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).



- Obedy, Asamoah, (1966), The Legal Significance of the Declarations of the General Assembly of the United Nations.
- Bastid, S, (1969-1970) Droit international Public, le droit des Organisations internationales.
- Thompson, Bert & Brad Harrub, (2001), Human Cloning and Stem-Cell Research-Science's Slippery Slope, Apologetics Press, [www.apologeticspress.org/rr/tr2001/r&rolo&a.htm](http://www.apologeticspress.org/rr/tr2001/r&rolo&a.htm)
- Elias, T.O; (1972), Africa and the Development of International Law.
- Malintoppi, A, (1958) Le raccomandazioni internazionali,;
- Virally, M.,(1972) L'organisation Mondiale.
- Menon, P.K, (1969), United Nations Special Committee and Decolonisation; Indian Journal of International Law, IX. No.1.
- Ten Reasons to Support the Brownback-Landrieu Cloning Ban (S.1899), at: [www.Cloninginformation.org/info/talking-Point.htm](http://www.Cloninginformation.org/info/talking-Point.htm)
- Tomuschat, Christian, Ethos, Ethics and Morality in International Relations, Encyclopedia of Public International Law, Vol. 9.
- Tunkin, G.I, (1987), The Role of Resolutions of International Organisations in Creating Norms of International Law; in: Butler, W.E. (ed.); International Law and the International System.
- U.K. Bans Human [Reproductive] Cloning; [www.grg.org/ukcloning.htm](http://www.grg.org/ukcloning.htm)
- Verdross, A, (1966), Kann die General Versammlung der Vereinten Nationen das Volkerrech Weiterbiden?, Zeitschrift fur auslandisches offentliches Recht und Volkerrecht, XXVI.

اسناد و گزارش‌ها

- Resolution on Cloning, European Parliament, 1997 O.J. (C 115) 14.4/92 (March 12, 1997).
- United Nations General Assembly Resolution 53/152 on the Human Genome and Human Rights, 9 December 1998.
- World Health Organization, Resolution WHA 50.37 on Cloning in Human Reproduction, 14 May 1997.
- World Health Organization, Resolution WHA 51.10 on Ethical, Scientific and Social Implications of Cloning in Human Health, 16 May 1998.
- Final Report of the Committee on Formation of Customary (General) International Law, London Conference, International Law Association, 2000).
- Resolution on Cloning, European Parliament, 1997 O.J. (C 115) 14.4/92 (Mar. 12, 1997).
- Resolution on Cloning, European Parliament, 1998 O.J. (c 34) 164 (Jan. 15,1998).
- European Council Declaration on Banning the Cloning of Human Beings (1997), Bulletin Of the European Union (22 June 1997).
- Council of Europe, Parliamentary Opinion No. 202 (1997) on the Draft Additional Protocol to the Convention on Human Rights and

Biomedicine on the Prohibition of Cloning Human Beings (Sept. 23, 1997).

Convention for the Protection of Human Rights and Dignity of the Human Being with regard to the Application of Biology and Medicine: Convention on Human Rights and Biomedicine, ETS No.: 164; 4 April 1997 (Oviedo Convention).

Declaration on the Production and the Scientific and Therapeutic use of Human Embryonic Stem Cells, at: [www.Vatican.va/roman-Curia/Pontifical-academies/acdlife/documents](http://www.Vatican.va/roman-Curia/Pontifical-academies/acdlife/documents)

Observations on the Universal Declaration on the Human Genome and Human Rights at: [www.Vatican.va/roman-curia/secretariat-State/documents](http://www.Vatican.va/roman-curia/secretariat-State/documents)

Considerations of the Holy See on human cloning (in view of the debate at the General Assembly of the United Nations on an international convention against the reproductive cloning of human beings), A/C.6/59/INF/1, 7 October 2004.

Resolution of Bioethics, adopted by the 32nd OAU Summit, July 1996, Yaounde, AHG/Res. 254(XXXII).

Resolution on the Cloning of Human Embryos, 28 October 1993, Official Journal C 315, p. 224.

Resolution on the Protection of Human Rights and Dignity with regard to the Application of Biology and Medicine, Official Journal C320, 28/10/1996, p. 268.

Resolution on Cloning, Official Journal C115, 12 March 1997, 14.4/92.

Resolution on Cloning, Official Journal C34, 15 January 1998, p. 164.

European Parliament Resolution on Human Cloning, 7/9/2000.

Opinion of the Group of Advisers on the Ethical Implications of Biotechnology to the European Commission, Ethical Aspects of Cloning Techniques, No. 9, 28 May 1997, Rapporteur: Dr. Anne McLaren.

European Council Declaration on Banning the Cloning of Human Beings, June 1997.

Council of Europe, Parliamentary Assembly, Recommendation 1046 on the Use of Human Embryos and Foetuses for Diagnostic, Therapeutic, Scientific, Industrial and Commercial Purposes, 24 September 1986.

Council of Europe, Ad Hoc Committee of Experts on Bioethics, Report on Human Artificial Procreation, 1989.

Council of Europe, Parliamentary Assembly, Recommendation 1100 on the Use of Human Embryos and Foetuses in Scientific Research, 2 February 1989.

Council of Europe, Committee of Ministers, Recommendation No. R (90) 3 Concerning Medical Research on Human Beings, 6 February 1990.

Council of Europe, Parliamentary Assembly, Order No. 534 on Research and the Cloning of Human Beings, 23 September 1997.

UNESCO, Universal Declaration on the Human Genome and Human Rights, 11 November 1997.

- UNESCO, International Declaration on Human Genetic Data, 16 October 2003.
- UNESCO, Universal Declaration on Bioethics and Human Rights, 19 October 2005.
- A/AC.2b3/2002/INF/1/Rev.1.
- A/56/192, (2001).
- U.N.G.A. Res. 56/93 (A/Res/56/93), 28 Jan. 2002.
- Report of the ad hoc Committee (A/57/51) and Report of the Working Group (A/C.6/57/L.4).
- A/57/51.
- A/C.6/57/L.8.
- A/C.6/57/L.3/Rev. 1
- A/L. 6/57/L.3/Rev. 1/corr. 1
- Letter dated 2 April 2003 from the Permanent Representative of Costa Rica to the United Nations addressed to the Secretary General and its annex entitled "Draft international convention on the prohibition of all forms of human cloning", A/58/73, 17 April 2003.
- Explanatory Report of the Additional Protocol to the Convention for the Protection of Human Rights and Dignity of the Human Being with Regard to the Application of Biology and Medicine, on the Prohibition of Cloning of Human Beings, 12 January 1998, European Treaty Series no. 168
- International convention against the reproductive cloning of human beings: Report of the Working Group, A/C.6/58/L.9, 3 October 2003
- A/C.6/59/L.2.
- A/C.6/59/L.8.
- A/C.6/59/L.26, 19 November 2004.
- A/59/516, 19 November 2004.
- A/C.6/59/L.27/Rev.1, annexes I-IV.
- United Nations Declaration on Human Cloning, A/RES/59/280, 23 March 2005.
- United Nations General Assembly Resolution 53/152 on the human genome and human rights, 9 December 1998.
- A/59/PV.82, 8 March 2005.

## یادداشت شناسه مؤلف

هومن موثق: عضو هیأت علمی کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی دانشگاه شهید بهشتی. (نویسنده مسؤل)

نشانی الکترونیک: medlaw2008@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۶/۴/۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۶/۶/۱۸